

## فهرست مطالب

فصلنامه اقتصادی حاوی مطالب با رویکرد اقتصادی میباشد. مقالات سیاسی و اجتماعی را نیز به نشر می سپارد.

\*\*\*

مسئولیت مطالب مندرج در این نشریه به جز سرمقاله و گزارش ها به عهده نویسندگان آن می باشد.

\*\*\*

فصلنامه اقتصادی در ویرایش مطالب دست باز دارد.

\*\*\*

این نشریه از نوشته های پژوهشگران استقبال می نماید.

\*\*\*

مطالب ارسالی دوباره مسترد نه می گردد.



نشست ریکای شش طرح ها و امید ها

۳

سخنرانی رئیس جمهور غنی در نشست سام

۴

د افغانستان او هند دوستي بر بنسټ او اوبولگولوبند

۵

بررسی ریشه های تاریخی، سیاسی فقر

۷

سارک و جایگاه افغانستان

۱۲

عملکرد کمیسیون بین الوزارتی ( ICE ) و وضعیت انرژی افغانستان

۱۵

رپور ارزیابی و اولویت بندی پروژه های پیشنهادی سال ۱۳۹۵ خورشیدی

۱۷

په هیواد کې د سوداګرۍ د کچې راټیټېدل او بدې پایلې یې

۲۶

گزارش مختصر از چگونه گی تطبیق پروژههای انکشافی وزارتها و ادارات طی شش ماه اول سال مالی ۱۳۹۴

۲۹

ماهیت و ضرورت تجارت بین الملل

۳۲

اهداف انکشافی هزاره

۳۵

به جای سرمقاله:

## پیام وزیر محترم اقتصاد به مناسبت نشر فصلنامه اقتصادی



نامه اقتصادی به مثابه ارگان نشراتی وزارت اقتصاد، مسؤولیت دارد، تا از مهمترین رویدادهایی اقتصادی، نشر گزارش ها، آمار و ارقام دقیق، بیلانس های اقتصادی، مطالب و نوشته های تحلیلی، چالش های فرا راه و راه حل ها اطلاع رسانی نماید. باورمند هستیم این نشریه با در نظر داشت وظایف محوله و با رعایت اصول و شاخص های مجله نگاری نوین، خطوط کلی نشراتی خود را در چارچوب قوانین و مقرره های نافذ تنظیم نماید. با استفاده از فرصت از تمام صاحب نظران و متخصصان کشور می خواهیم دیدگاه و نوشته های خود را به آدرس ما بفرستند، تا در غنای این نشریه سهم فعال و ارزنده داشته باشند. یک بار دیگر توفیقات مزید در انجام وظایف محوله به همکارانم در سایر بخش ها به ویژه بخش مطبوعات می طلبیم و به امید افغانستان آزاد و آباد.

و من الله التوفیق

عبدالستار مراد "وزیر اقتصاد"

نخستین بار می خواهد با نشر تمام موضوعات اقتصادی که منافات با منافع ملی نداشته باشد، با رعایت این که دانستن حق ملت است، اطلاعات و تصامیم حکومت را مستقیماً در اختیار مردم و رسانه ها قرار دهد. این کار از یک طرف شفافیت را به بار می آورد و از سوی هم می تواند مرجع خوب معلوماتی برای محققان و دانشمندان عرصه اقتصاد باشد.

آنگونه که میدانیم، در سطح ملی امیدها، نگرانی ها و سوالات زیاد در تمام عرصه ها، به خصوص سکتور اقتصادی در اذهان عامه موجود است. وزارت اقتصاد به مثابه نهاد پالیسی ساز در عرصه اقتصادی، در چشم انداز وضعیت مطلوب، نسبت به آینده سعی می نماید، با توجه به امکانات و شرایط موجود، در همکاری با نهادهای بین المللی، نمایندگی های کشورهای دوست و کمک کننده، مؤسسات داخلی و خارجی، بخش سکتور خصوصی به همه موارد فوق الذکر پاسخ قناعت بخش و راه حل ها ارائه کند.

توجه و ظرفیت سازی در عرصه زیربنا، فقر زدایی، ارائه خدمات و کار آفرینی در همکاری سایر وزارت ها و نهاد های ذیربط، می تواند به نگرانی های مردم نقطه پایان باشد. فصل

همکارانم در بخش مطبوعات خبر از آمادگی نشر فصلنامه اقتصادی دادند. در حالی که نشر فصلنامه اقتصادی را اقدام شایسته و امیدوار کننده میدانم، به دست اندرکاران این نشریه، از ذات کبریایی توفیق مزید می طلبیم. توقع دارم همکارانم در بخش مطبوعات با تلاش های بیشتر، با نشر مطالب مفید و سودمند، از طریق این نشریه و چه از طریق وب سایت وزارت اقتصاد و مناسبت های دیگر، مصدر خدمت به مردم عزیز افغانستان گردند.

نشر فصلنامه اقتصادی پس از یک رکود چهارساله، در حالی صورت می گیرد که اهمیت کار اطلاع رسانی و مطبوعات، با گذشت هر روز به طور فزاینده بیشتر می شود. بدون شک ورود این نشریه دولتی به خانواده مطبوعات از یک طرف یک نیاز جدی و از سوی هم پیام روشن به تعهد و رسالت ما، در امر اطلاع رسانی و کار و تلاش است.

در گذشته رسم بر این بود که تحلیل ها، آمار و ارقام مالی و اقتصادی به شکل انحصاری در اختیار نهادهای حکومتی بود. اما فصلنامه اقتصادی برای

عنوان یک قدرت اقتصادی در منطقه می تواند در تمامی طرح و برنامه های اقتصادی همکاری های چند جانبه نماید.

طرح عملی شدن بندر چابهار در کشور ایران نیز مطرح گردید. بندر چابهار برای افغانستان بسیار حیاتی و مهم است. از سوی هم طرح چابهار می تواند کشور هند را از طریق خاک افغانستان به آسیای مرکزی وصل کند. در صورت عملی شدن طرح چابهار، افغانستان می تواند در کنار بندر کراچی، راه بدیلی برای اتصال به آب های جهانی پیدا کند. عملی شدن برنامه چابهار بسته گی به بهبود مناسبات کابل و دهلی نو دارد. هند از تطبیق طرح چابهار، نفع زیادی می برد و تلاش های دستگاه دیپلوماسی کشور می تواند علاقه مندی هند را بار دیگر جلب کند.

در همین حال طرح انتقال برق آسیای مرکزی، از جمله تاجیکستان به پاکستان، مورد بحث قرار گرفت که این طرح نیازمند بهبود روابط افغانستان و پاکستان است. در صورتی که کشور پاکستان علاقمند عملی شدن طرح انتقال انرژی از آسیای مرکزی باشد، باید در قدم نخست سیاست های حمایت از تروریسم پروری را کنار بگذارد.

نخستین نشست ریکا در سال ۲۰۰۵ در کابل برگزار شد و تصمیم گرفته شد که هر دو سال این نشست در یکی از کشورهای هند، پاکستان، ترکیه و تاجیکستان برگزار شود. نشست پنجم ریکا در دوشنبه پایتخت تاجیکستان برگزار شده بود. کشور ترکمنستان در پایان این اجلاس اعلام کرد که حاضر است هفتمین اجلاس ریکا را در سال ۲۰۱۷ میزبانی کند.



این نشست با حضور نمایندگان بیش از ۳۰ کشور جهان و ۴۰ سازمان بین المللی و منطقه ای روز پنجشنبه تاریخ ۱۲ سنبله برگزار و برای دو روز ادامه یافت و با تعهد کشورهای منطقه مبنی بر عملی ساختن توافقات مطرح شده در این نشست پایان یافت. در این نشست عبدالستار مراد وزیر اقتصاد کشور سخنرانی مفصل نمود و بر ادامه همکاری های اقتصادی و راهکارهای که افغانستان بتواند سود اقتصادی بیشتر ببرد و بحیث یک پل ارتباط منطقه را به لحاظ انرژی و ترانزیت به هم وصل کند تأکید کرد.

در این نشست موضوعات مهم مانند اتصال بازارهای جنوب آسیا به آسیای مرکزی، همکاری های منطقه ای در چارچوب انتقال انرژی از آسیای مرکزی تا آسیای جنوبی، معادن و راه های مواصلاتی مورد بحث و مذاقه قرار گرفت. این نشست را وزارت امور خارجه کشور میزبانی نمود و طرح های مهم اتصال کشورهای منطقه به یکدیگر، در دستور کار اشتراک کننده ها قرار گرفت.

طرح های مهم که در دستور کار نشست ریکای شش قرار گرفت، عبارت بودند از، طرح خط آهن سه جانبه تاجیکستان، افغانستان و ایران، برنامه پنج جانبه خط آهن قرغیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ایران و افغانستان، طرح راه لاجورد که افغانستان را از طریق ترکمنستان به دریای خزر و از آن جا به روسیه و اروپا وصل کند و همین طور طرح راه ابریشم موارد مهم بحث و رایزنی بود. همین طور در نشست ریکای شش چگونه گی عملی شدن پروژه های (تاپی) و کاسای یک هزار بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

عملی شدن تمامی تعهدات و برنامه هایی که در نشست ریکای شش عنوان شد، متعلق به سعی و تلاش دستگاه دیپلوماسی کشور، در جهت جلب کمک ها و همکاری های کشورهای منطقه به ویژه چین وابسته است. چین به





## سخنرانی رئیس جمهور غنی در نشست سام (SOM)

این ملحوظ، شماری از بهترین استعداد های خود را بخاطر احیای سکتور دهات افغانستان با ماموریت مشخص در امور بهبود مدیریت اراضی، طرح استراتژی های سکتور آبیاری و از میان برداشتن موانع فرا راه فروش تولیدات دهاقین، توظیف نموده ایم.

رئیس جمهور گفت: موضوع حل منازعات زمین را از محاکم به یک اداره متخصص مدیریت اراضی محول می نمایم تا منابع ارضی ما از حالت بلاتکلیفی و لاینحل بودن خارج شده بخاطر رشد اقتصاد مردم بسیج گردد. رئیس جمهور کشور گفت: یک فیصدی قابل ملاحظه نفوس افغانستان را جوانان با انرژی تشکیل میدهد. لذا، لازم است تا بالای منابع انسانی خود سرمایه گذاری نمایم. وی تصریح کرد که افغانستان می تواند از تجارب روند توسعه در شرق آسیا - کوریا، جاپان، چین و تایوان، بهترین استفاده را ببرد، زیرا این کشور ها سرمایه گذاری را از کمترین تولیدات آغاز کرده اند، مازاد آن را در تقویت سکتور داخلی و تولیدات صادراتی استفاده نمودند و بلاخره در بازار های جهانی به رقابت پرداختند.

رئیس جمهور با اشاره به ایجاد فراهم آوری زمینه های بهترکاری برای شرکت های خصوصی گفت: ما باید موانع فرا راه شرکت های داخلی و خارجی را که منابع تولیدی و شغل زایی می باشند، در مشورت با سکتور خصوصی برطرف نمایم.

رئیس جمهور با اشاره به تلاش های حکومت وحدت ملی در راستای تامین صلح در کشور گفت: من و داکتر عبدالله در تلاش های ما برای برقراری صلح و ثبات در کشور متعهد هستیم. رئیس جمهور غنی افزود که خواست ما برای صلح ادامه خواهد یافت و من یقین دارم که به یک وضعیت مطلوبی خواهیم رسید که افغانستان و پاکستان خواهند توانست اقتصاد خویش را برای خوشبختی و رفاه مردمان ما توسعه دهند.

رئیس جمهور در پایان سخنانش گفت: با پایان دهه تحول، وابسته گی افغانستان به کمک های خارجی کاهش خواهد یافت و کشور ما یکی از اعضای خانواده جهانی خواهد بود که دموکراسی و حقوق بشر را حمایت کرده و آینده خویش را از طریق تجارت و سرمایه گذاری مصئون خواهد ساخت.

داکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان روز جمعه ۱۳ سنبله نشست مقامات عالی رتبه (SOM) را رسماً در ارگ ریاست جمهوری افتتاح کرد.

رئیس جمهور در بیانیه افتتاحیه خود تصویر کلی اقتصادی افغانستان را بر اساس سند خود کفایی تشریح کرد و از پیشرفت های افغانستان در پرتو تعهدات کنفرانس لندن جزئیات ارائه نمود و در مورد پلان های توسعه و اقتصادی کشور در دهه تحول، معلومات داد.

رئیس جمهور گفت: آجندای که حکومت وحدت ملی در کنفرانس لندن ارائه کرد، تنها یک سند نه، بلکه منشوری بود که چگونگی طرح ما را بخاطر احیای مجدد افغانستان منعکس می ساخت.

رئیس جمهور افزود، پیوسته گی و اتصال افغانستان به کشور ما فرصت میدهد تا دوباره همان نقش تاریخی خود را منحصراً چهار راه تجارتي آسیا بدست آورد و از این طریق و با انجام کارهای های مهم در عرصه زیر بنا، بازارهای تجارتي میزان وابسته گی اقتصادی و واردات کاهش می یابد.

رئیس جمهور تصریح کرد: شرکای بین المللی ما باید وابستگی میان گذار امنیتی، سیاسی و اقتصادی ما را درک کنند. وی با تأکید گفت: ما خواهان تغییرات ساختاری و زیربنایی افغانستان هستیم. محمد اشرف غنی خاطر نشان کرد: احیای زراعت اولویت نخست حکومت ما را تشکیل میدهد. روی



## د افغانستان او هند دوستي برېښنا او اوبو لگولو بند

د افغانستان دخلکو لپاره يې دهندوستان لويه اوارزښت لرونکې ډالۍ بللي شو.

دهرات خلک له ددغه مثبت بدلون څخه خوښ برېښي خوداټکي بايد په پام کي ونيسو چې دخوښۍ لپاره لاتراوسه دوخته دي ځکه چې يوازې داوبوزيرمه کول په يوه اوبه گرځونکي بند کې ټولې چارې پاي ته نه رسوي، بلکې ددې بنډله اوبو څخه دښې گټې اخيستنې په منظور ديوې منظمې اوبو پرمخ تللې اوبورسونې شبکې شتون اړين دي چې کله هم داډول پروژې لگښت د بند دمصرف سره انډول مومي.

دساري په ډول کله چې افغانستان دکجکي بند چارې دهلمند سيند پرمخ پيل کړې دامريکاي کمپني ( مورسين کدنتسن ) په يووخت کې داوبورسوني دکانالونو کار هم پيل کړ. ددې کار پايله داوه چې هغه پيسې چې د بند د جوړولو لپاره ځانگړې شوې دي په کانالونو کې ولگيدې اود بند چارې نيمگړې پاتې شوې. په پايله کې دامريکا دولت دافغانستان ددولت غوښتنې ته مثبت ځواب ورکړ اود ياد هيواد په مرسته ددغه پروژې چارې بشپړې شوې.

اوبو پرته پاتې شي دواړه هيوادونه دشکایت حق نه لري، په هغه وخت کي داټکل نشو کوالي چې په افغانستان کي دشتوستونزوپه لرلوسره ددي بنډچارو دراتلونکي لپاره وړاندوينه وکړي چې چاري به يې له سره پيل شي.

دهلمند وادي دپروژې د بشپړيدوله وخته (دشلمې پيړۍ ۶۰مه لسيزه) يعني دنيمې پيړۍ په موده کې دافغانستان وگړي له دوه برابره زياد شوي خوپه دې موده کې نه يوازي يوهکتاروچه نوې ځمکه دکښت لپاره نه ده چمتو شوې بلکې ډيره کرنيزه ځمکه په ميشت ځايونو بدله شوې ده. په همدې ډول افغانستان چې يووخت په ځان ډاډمن کرنيز محصولاتي هيوادوپه يوه واردونکي غذايي هيواد بدل شو.

دطالبانو رژيم له راپرځيدو وروسته دافغانستان ددغې لويې بنسټيزې پروژې د بشپړيدو لپاره دهندوستان هيواد مرسته وکړه چې ځينو دليلونو لامله په ځانگړي ډول دنامني له کبله يې اورده موده په برکې ونيوله ترڅود (۳۰۰) ميليونو ډالرو په لگښت سره ددغه بند چارې پاي ته ورسيدې چې

وروسته دلسو کلونوانتظار، دادي دسلمان بند دهريرود په سرداوبواخيستنې پراوته ورسیده او يکشني په ورځ دزمرې په څلورمه داوبواخيستل يې پيل شو.

ددې بند کاسه شل کيلو متره اوږدوالي اودري کيلومتره سور لري چې کولاي شي (۶۴۰) ميليونه متره مکعبه اوبه زيرمه کړي. درسمي احصائيو له مخې دغه بنډبه ددهرات (۸۰۰۰۰) هکتاره شاړه ځمکه خړوبه کړي او ۴۲ ميگاواټه برېښنا به هم توليد کړي. دسلما د بند کار دشلمې پيړي په اويامه لسيزه کې د سردار محمد داود خان دجمهوري رياست په وخت کې پيل شو، خو په افغانستان کې دکمونيستي کودتا وروسته دجگړوله کبله نيمگړې پاتې شوه. دطالبانوپه وخت کې د ايران اوترکمښتانه هيوادونودخپل گډوډولو د دوستۍ په نوم، اوبه گرځونکي بند چارې پيل کړې. په هغه وخت کې طالبانويادوهيوادونو ته خبرداري ورکړې چې افغانستان دهريرودپه سرله پخوادسلما بند چارې پيل کړې دي. له همدې لامله که په راتلونکي کې دسلما بند دوستۍ بند له

## دیدگاه وزارت اقتصاد

وزارت اقتصاد از سال (۱۳۳۳) بدینسو فعالیت های خویش را در راستای طرح و تطبیق پلان های انکشاف اقتصادی و اجتماعی دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت انجام داده است. دیدگاه وزارت اقتصاد عبارت از رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی به منظور تأمین رفاه عامه و فقرزدایی میباشد. دیدگاه استراتژیک این وزارت برای ۵ سال آینده روی چند اصل متمرکز است.

۱. نهادینه ساختن روند طرح و تطبیق پالیسی و استراتژی انکشاف اقتصادی و اجتماعی بر مبنای اقتصاد بازار.

۲. تسریع پروسه رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی، ارتقای مؤثریت اقتصادی و تأمین انکشاف متوازن سکتورهای اقتصاد ملی.

۳. تأمین رشد پایدار در روشنایی پالیسی های اقتصادی و اجتماعی کشور تمرکز خواهد داشت.

راولاپروي هغه ځمکې چې تر اوسه پورې دنه کرنې وړاوبې ارزښته دي، په دې هيله چې په راتلونکي کي تر اوبه خورلاندې راشي چې ارزښت به پيدا کړي اوددې ځمکودنيولوپه سره به ښکون رابښکون په راتلونکي کې حساسیتونه راولاپروي.

بیا هم که چېرې تیرو تجربوته راڅرځو باید په لسگونو کلونه مخکې هغه وخت چې دهلمندوادي پروژه گټې ته وسپارل شوه، دولت کوچیانو اوبې ځمکو کړوند کړوته دځمکوپه ویش لاس پورې کړ ترڅو د کوچیانو ستونزه په هیواد کې حل شي. خوزمورپه هیواد کې شتو ستونزو او گډوډیو ته په پام کې نیولو سره په دغه ډول عمل لاس پورې کول لاتراوسه له تصور څخه لرې بریښي اودهرات په ولایت کې دځمکودغاصبینه په اړه په بشپړه توگه وړاندوینه کېدای شي. له ټولو ستونزو سره، سره وړاندوینه کولای شو چې دغه بنسټیزه ستره پروژه به په راتلونکي کې هرات والو ته ښه زیري ورکړي په ډیر لرې نه، نږدې راتلونکي کې به دغه بنددکرنې اوبریښنا دپرمختگ اودصنعت دپراختیا ارزښت لرونکي نقش دلرغوني هرات په پرمختیا کې ترسره کړي او په هیواد کې به شغلي کچې ته لوړتیا وښيي.

دمورسین دکمپنۍ د مهندسانو استدلال په هغه وخت کې داوه چې که چېرې د بند اوبه دشبکې په وسیله له کانالونو څخه کرنیزو ځمکوته ونه رسیري داوبود بند گټه به خلکو ته ونه سیري.

اوس هم دسلما بند په اړه همداستونزه شتون لري. که چېرې په راتلونکي یوه کال کې چې د بند داوبواخیستني پراویشپړشي، داوبو رسوني دکانالونو شبکې بشپړ او د بکرو بائیر ځمکو ته اوبه ونه رسیري افغانستان به دې ته اړ شي چې د بند له ډکیدو وروسته به مازادې اوبه دذخیرو دپخواني لوري ولیردوي چې یوازې ددې لگښت لاس ته راوړنه به ۴۲ میگاواټه بریښناوي اویس. په دې شرط چې ته هغه وخته پورې دبریښنا تولیدونکي توربینونه ځای پرځای شوې وي. دهرات ولایت د حاصل خیزه کرنیزو ځمکوته په پام کې نیولو سره دغه اوبه گرځونکي بند کولای شي چې نه یوازې یو کرنیز بدلون په هرات کې رامنځ ته کړي بلکې مثبت اغیزه به یې دلودیځه حوزه او په ټول افغانستان کې به دپام لرنی وړ وي.

په ځانگړي ډول هرات د بنې والی لپاره برابر ظرفیتونه لري او په ورته حال کې د کرنیزو ځمکو د پراختیا له کبله کولاشي دمالداري اودپسونو دروزني فارمونه چې دهرات په ولایت کې اوږده مخیزه لري په نوي پرمختللي ډول وده ورکړي.

داټکي هم باید په پام کې ونیول شي چې نوې ځمکې تراوبولاندې کول نوې ستونزې هم



# بررسی ریشه‌های تاریخی، سیاسی

## فقر



مهدی توکلی

مقدمه

فقر و ریشه کن کردن آن را غیر ممکن بدانند. برای تغییر این طرز فکر بایستی یک سیستم آموزش و پرورش مفید را بوجود آوریم.

یکی از ویژگی بارز مردم فقیر، نداشتن سواد و دانش کافی در جهت بهتر زندگی کردن و مقابله با فقر است. از اثرات بیسوادی در میان افراد این است که طرز فکر و قدرت فکری آنان در جهت سازش و تطابق با فرهنگ فقر است. افراد بیسواد از پیشرفت و توسعه و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، رغبتی از خود نشان نمی دهند. زیرا همیشه در حال انجام کارهایی با دستمزد پایین هستند. این امر باعث می شود که بیشتر وقتشان صرف انجام کارگری شود. این مسائل موجب تداوم فقر در یک حالت همیشگی و دورانی می شود.

پرهیزکار باشد، یک نوع برداشت از آن می شود و اگر فرد معتاد و فاقد ارزشهای اخلاقی باشد برداشت دیگری از فقر می شود. بهترین مکان برای مطالعه و بررسی فقر می توان محله های فقیرنشین در شهر یا روستا را در نظر گرفت. در این محله ها فرهنگ خاصی حاکم است که از آن به عنوان فرهنگ فقر یاد می شود. فرهنگی که سالها با آنها بوده و نسل به نسل به یکدیگر منتقل می کنند. این فرهنگ برای عده که خود را با آن مطابقت داده اند یک نوع وسیله سازش محسوب می شود. اما برای عده دیگر که آن را نپذیرفته اند به منزله ناامیدی از رسیدن به هدف ها و ارزشهای والای انسانی می باشد. افراد با زندگی در خانواده یا محله فقیرنشین ارزشها و طرز تفکر فقیرانه را به خود جذب می کنند. این امر باعث می شود که افراد مقابله با

فقر قوی ترین و عمومی ترین مصیبت بشر، ریشه دردهای بسیار زیادی است. از گرسنگی و بیماری گرفته تا مناقشات داخلی و جنگ. فقر پدیدۀ پیچیده و گسترده می باشد که از قرن های گذشته تاکنون مورد توجه جامعه شناسان و پژوهشگران بوده است. فقر باعث شده که فاصله میان کشورهای جهان سوم و کشورهای صنعتی روزبه روز بیشتر شود. این به این معنا است که سیستم اقتصادی، شیوه بهره گیری از سرمایه طبیعی و روش سازمان دادن و دارا بودن نیروی انسانی دائماً روبه پیشرفت و افزایش است.

فقر با توجه به شرایط زمانی و مکانی تعاریف گوناگونی از آن شده است. اگر فرد فقیر، آدم درستکار

## بیان مسئله

در جامعه شناسی فقر را معمولاً «برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت» تعریف کرده‌اند. فقر به عنوان یکی از مسائل اجتماعی، در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن به ویژه در زمینه جرائم زنان (فقر و فحشا)، اعتیاد و سرقت تأثیر گذار است. از نظر عموم افراد جامعه، فقر عامل جنابیت، سرقت، فحشا و بسیاری از کجروی‌ها در جامعه است. برخی پژوهش‌ها هم این نظر را تأیید می‌کنند و فقر و ناتوانی اقتصادی را عامل مستقیم کجروی‌ها قلمداد می‌کنند.

در پدیده فقر چند عامل نقش دارند. آشفتگی فرهنگی در کتاب جامعه شناسی جهان سوم به رابطه فقر با مسئله انفجار جمعیت، رابطه فقر و صنعتی شدن، رابطه فقر با فرهنگ فقر یاد می‌کند.

جان کنت گالبرایت: اصلی ترین دلیل فقر را نداشتن دانش و تکنولوژی نوین می‌داند. وقتی که دانش و تکنولوژی در جامعه گسترش یابد موارد دیگر از قبیل: سرمایه، نیروی انسانی و سازماندهی افراد در جامعه نیز به کار گرفته می‌شوند و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌گردد. از هدف‌های توسعه در کشور های جهان سوم می‌توان به از بین بردن فقر و ناداری، بیکاری و حرکت به سوی اشتغال کامل، موفقیت در رفاه همگانی و تامین

اجتماعی نام برد. بدیهی است که شاخص فقر در هر دوره و زمانی فرق می‌کند. گاهی بر خوراک (در آفریقا) و گاهی بر مسکن و گاهی بر بیکاری و اشتغال تکیه می‌کند.

با توجه به هر دوره و زمان شاخص سرمایه در کشورها تغییر می‌کند. در یک زمان شاخص سرمایه زمین و کارخانه‌ها، در دوره دیگری نفت و در حال حاضر منظور از سرمایه همان دانش فنی و تخصصی است.

## تعریف کنونی فقر

عده اعتقاد دارند که در کشورها و جوامع فقیر غالب مردم به امور کشاورزی اشتغال دارند و از آنجا که اصولاً بازده عوامل تولید، سرمایه و کار در صنعت بیشتر از کشاورزی است اما دچار فقر شده‌اند. بنا به تعریف سازمان ملل: «فقیر کسی است که حداقل سطح زندگی در مقام و منزلت انسانی مرحوم باشد» و یا فقیر عبارت است از بر آورده نشدن نیاز های بنیادی انسان به اندازه بسنده و لازم، و این پرسش پیش می‌آید که نیازهای بنیادی چه هستند؟ و اندازه بسنده و لازم چقدر باید باشد؟ آیا نیاز های بنیادی تنها در حد سیر کردن شکم برای زنده ماندن است؟ و یا اینکه مفهوم مسکن مناسب مشخصاً چه چیزی را در ذهن روشن می‌سازد؟ محاسبه عددی فقر بسیار دشوار است. تعریف دیگر از فقر می‌گویند: فقر عبارت است از نداشتن حداقل زندگی مادی و معنوی برای

زندگی کردن. فقیر بودن از نظر بسیاری که دچار آن هستند و غالب کسانی که گرفتار آن نیستند چیز ناخوشایندی است. چنانچه در این مورد میان فقرا و اغنیا اختلاف عقیده ای باشد ناشی از عمق و درجه احساس این حالت است. زیرا تجربه عملی فقر حساسیت روی آن را افزایش می‌دهد اگر چه نمی‌توان همیشه به این امر یقین کامل داشت.

البته هنوز عده معدودی اعتقاد دارند علت فقر برخی افراد این است که سرنوشت الهی آنان چنین رقم زده شده که فقیر باشند یا علت آن نقص وعدم کارایی خودشان است و در واقع سزاوار فقر هستند.

موضوع مورد نظر من علل فقر در آن دسته از جوامع ای که عملاً شکل روستایی داشته و تقریباً همه آنها فقیر هستند جوامعی که رفاه و ثروت به صورت استثنایی و برای تعداد محدودی وجود دارد برعکس فقر موردی، علل این نوع فقر، یعنی فقر عمومی، روستایی مورد تحقیق و بررسی زیادی قرار نگرفته است.

یکی از معمول ترین توضیحاتی که برای فقر عمومی داده می‌شود و در تمام سطوح حرفه پیشرفته نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، این است که یک جامعه و یا یک کشور به این دلیل فقیر است که از نظر طبیعی فقیر می‌باشد، یعنی فقر از نظر منابع طبیعی. این فقر در واقع به معنی فقر فیزیکی محرومیت از نعمت‌ها و موهبت‌های طبیعی است. البته این



امر اشتباه است زیرا ژاپان کشوری است که از مجموعه ای از جزایر کوهستانی تشکیل شده که دارای خاک مناسب بسیار کم معادن محدودی می باشد. این کشور فاقد نفت بوده اما جمعیت زیادی دارد حال کسی از وضع تأسف آور منابع طبیعی آن سخنی به میان نمی آورد چون کشوری است غنی و پیشرفته.

### انواع فقر

اندیشمندان اجتماعی، فقر را از منظر دامنه و قلمرو، به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱. فقر موردی: (فقر فردی) (case poverty): فقر موردی یا فردی، عبارت است از فقری که در برخی از جوامع، دامنگیر عده کمی از افراد می گردد. در حالی که سایر افراد جامعه با آن بیگانه اند. ریشه این نوع از فقر را می توان در خصوصیات شخصی و خانوادگی و نژادی این افراد جستجو کرد

۲. فقر فراگیر: فقر اجتماعی (mass poverty) و این نوع فقر، عکس مورد بالاست. فقر فراگیر، فقری است که همگی افراد یک جامعه - جز عده اندکی - با آن، دست به گریبان اند، و این بدان معناست که منابع و توانمندی های جامعه، به میزانی نیست که پاسخگوی همه اعضای جامعه باشد.

### شرایط اقلیمی و توجیه

#### عقب ماندگی

هانتینگتون در دهه های اول قرن حاضر در کتاب خود به نام

(تمدن و آب وهوا) و نیز نویسنده دیگری به نام اس.اف.مارکام. در کتاب خود به نام (آب وهوا ونیروهای ملت ها) در این مورد توضیح داده اند و در این باره هم عقیده اند که منطقه معتدل وخنک زمین یعنی مناطقی که دارای آب وهوای متغییر وفصول مختلف هستند، استعدادهای بیشتری پرورش داده ومردم این مناطق زمینه فعالیت های فزیکتی ورشد ابتکار را در خود دارند. در مقابل، در مناطق استوایی زندگی ساده تر وهمراه با سستی است وجمعیت در معرض بیماریهای بومی قرار دارد.

دلیل جدیدی که توسط رائلول پربیش برای توجیه عقب ماندگی کشورهای جهان سوم ارائه می شود این است که کشورهای فقیر عمدتاً تولید کننده مواد خام ومحصولات کشاورزی می باشد ولذا از رابطه مبادله خوبی با کشورهای صنعتی بر خوردار نبوده و از این بابت رنج می برند. بخش کشاورزی ومواد اولیه بیش از آنچه نیاز دارند نیروی کار ایجاد می کنند، در صورتی که، بخش صنایع تولیدی کمتر از آنچه که نیاز دارند نیروی کار ایجاد می کنند.

### فقر، سیستم اقتصادی

#### و آموزشی

از جمله علل بدیهی فقر که می بایست مستثنی می شد، عبارت بود از سیستم اقتصادی. اگر علت فقر دسته جمعی و عمومی، وجود سیستم های اجتماعی یا اقتصادی استثمار گرانه یا ظالمانه بود، چاره آن هم در از بین

بردن آن سیستم ها نهفته باشد، به این ترتیب لازم بود که مالکین زمین، سرمایه دارها، فئودال ها و طبقات استثمار کننده، که مردم را در فقر نگه می دارند حذف شوند. متخصصین تعلیم و تربیت حرفه مانند روسایی باز نشسته دانشکده های تعلیم و تربیت، علت فقر را به عدم وجود یک سیستم آموزشی نسبت می دهند. متخصصین اداری نیز، آن را ناشی از فقدان یک سیستم اداری کار آمد می دانند. بر این اساس علت فقر عمومی در عقب ماندگی فنی در شیوه های تولید دیده می شد. این موضوع به عنوان یک علت فقر نظر زیادی را به خود جلب نمود. اقدام درمان کننده آن، عبارت بود از عرضه مهارت فنی که در اوایل کارگر تلقی نمی شد، اما یکی از وجوه رفاه کشورهای غنی این بود که آنها دارای سرمایه بودند و به هر حال بهبود وتوسعه تولید بدون سرمایه گذاری مالی ممکن نبود. در کشورهایی که هنوز فقر عمومی وجود دارد، مانند هند، پاکستان، بنگلادش، اندونزی وبخش وسیعی از افریقا و آمریکای لاتین محرومیت فقر به قوت خود باقی مانده وتغییری در آن بوجود نیامده است.

اولین ویژگی یا خصوصیت آشکاری که در بحث فقر عمومی مورد تاکید قرار دارد، عدم وجود امکانات اولیه رفاهی در روستاها است. از این رو، روستائیان زندگی سختی را می گذرانند. اگرچه غذا،

لباس و سرپناه را از زمین بدست می آورند.

فقر در روستا علل دورانی را که قبلاً به آن اشاره کردیم در بر می گیرد از آنجا که زندگی در روستا در سطح بسیار ابتدایی است و امرار معاش بسیار دشوار می باشد، لذا هیچگونه پس اندازی وجود ندارد و بدون وجود پس انداز سرمایه ای حاصل نمی شود و بدون سرمایه نیز نمی توان از اقتصاد کشاورزی توقع داشت که تکنولوژی کشاورزی را بهبود بخشید. آبیاری، بذر اصلاح شده، کود شیمیایی، سموم دفع آفات و ماشین آلات کشت و برداشت را به روستا بیاورد. بدون چنین سرمایه گذاری هایی نمی توان سطح درآمد ها را طوری افزایش داد که بتواند ایجاد پس انداز و در نتیجه سرمایه گذاری بنماید.

### فقر روستایی و کشاورزی

اما واقعیت این است که در حال حاضر رشد و پیشرفت مستلزم ریسک و خطر کردن است. برای یک کشاورز مرفه و ثروتمند غربی از بین رفتن محصول به معنی از دست دادن در آمد است. این حادثه برای او قابل قبول نیست، اما به هر حال این مسائل اغلب به محرومیت کلی فزیکتی یا به قیمت تمام زندگی او تمام نمی شود. از این رو کشاورزان غربی چه آنها که حرفه هستند و چه آنها که کشاورزی را در عمل پیاده می کنند ریسک پذیرفتن و اجرا کردن توصیه مشاورین حرفه را برای بهبود

روشهای فنی کار قبول می کنند اما برای خانواد های که در مرز مرگ و زندگی و امرار معاش قرار دارد، شکست به معنی گرسنگی و احتمالاً مرگ است. اما فقر روستایی دارای بعد مهم دیگری نیز هست که در خور تاکید بیشتری است. اگر تعادلش به هم بخورد به طور طبیعی تعادل خود را (تعادل فقر) باز خواهد یافت. اگر سرمایه گذاری جدید یا تکنولوژی جدید به دست آورده شود و به این ترتیب درآمد افزایش یابد، نیروهایی خود به خود به حرکت در خواهند آمد و سطح ثابت دیگری از محرومیت و فقر را دوباره به روستا باز خواهند آورد. بهبود سطح درآمد باعث افزایش پس انداز و سرمایه گذاری می شود. این پس انداز توسعه پیدا می کند و افزایش می یابد. زیرا در دسترس نیست و برای مصارف شخصی مورد استفاده قرار گیرد. در کشور فقیر هر نوع اضافه در آمدی تحت فشار بسیار شدید مصرف قرار می گیرد. بدیهی است فشارها تا بی نهایت ایجاد فقر می کنند. لذا پس انداز و سرمایه گذاری به حد اقل می رسد در حالی که همانطور که اشاره شد، ارتقای سطح تکنولوژی معمولاً نیازمند سرمایه گذاری است.

### تطابق و سازگاری با فقر

در یک کشور ثروتمند در صد عمده از مردم به طور عادی توقع کسب درآمد زیاد و راحت را دارند. مردم فکر و توقعات خود را با این شرایط تطبیق داده و سازگار ساخته

اند. لذا فرض بر این است که برای کسب در آمد بالاتر، نیاز به کوشش عمومی وجود دارد. این مطلب توسط اقتصاد دانان و محققین نیز پذیرفته شده است. در جوامع روستایی فقیر، وجود چنین آرزوها و امیدها با یکی از عمیق ترین و مشخص ترین عناصر رفتار بشری در تعارض قرار می گیرد. این عنصر عبارت است از خودداری از مبارزه علیه غیر ممکن ها تمایل و ترجیح به تسلیم و واماندگی و ثبات در زندگی. مردمی که قرن ها در فقر و در یک حالت نسبتاً منزوی در دهکده های دور افتاده زندگی کرده اند، با اینگونه حیات سازش کرده اند. ویژگی خاص این سازش پذیری که به طور عمیقی عقیدتی نیز به نظر می رسد لا اقل تا حدودی به تعلیمات اساسی ادیان جهان بر می گردد. مدت ها است که این شک و سوؤظن در مورد ادیان وجود دارد که قناعت و رضامندی تلقین شده بوسیله مذهب طرحی است برای منحرف کردن توجه از واقعیت مربوطه است. استثمار طبقات و از همین روست که گفته می شود مذهب تریاک مردم است به طور مشخص تر می توان گفت که مذهب فرمولی برای بهترین بهره داری از یک مجموعه شرایط نا امید کننده می باشد. قضاوت اخلاقی در باره جامعه مرفه و غنی یا اقتصاد آن جامعه می تواند برای جامعه فقیر صادق باشد. بر این اساس و به طور طبیعی جامعه ثروتمند نسبت به سازش پذیری و تطابق فقیر با فقرش

عنوان یک وسیله ابزار توسعه اقتصادی یک نمونه آن می باشد. توجه به آموزش اجباری و رایگان یکی دیگر از این موارد است. آموزش اجباری شد زیرا متوجه شدند که چیزی کمتر از آن نمی تواند پدیده سازش پذیری و تطابق را در خانواده های فقیر از بین ببرد. نیم قرن پیش در مناطق روستایی اوتتاریو برخی خانواده کشاورز به استثنایی چند مورد به منظور آن که به سطح زندگی قبلی باز گردند و آن را حفظ کنند و در برابر درخواست های مقامات آموزش و پرورش محلی که می خواستند فرصت های تحصیلی در اختیار آنان بگذارند مقاومت می کردند زیرا که باعث می شد جوانان آنها از زمین و کار در آن ناراضی شوند و این درست عملی بود که دقیقاً علیه تطابق و سازگاری صورت می گرفت. "ادامه دارد"



جامعه است که سازگاری با فقر را مردود دانسته و در جستجوی راه حلی برای مسأله فقر می باشد. برای بسیاری از این افراد تا کنون بهترین راه حل ترک محل زندگی خود بوده و هنوز هم بهترین راه حل به نظر می رسد. در جوامعی که زنجیره های تعادل فقر با حلقه های محکم نظام حکومتی وابسته مستحکم شده، فرار از جامعه شاید ساده ترین راه گریز از تعادل فقر و سازگاری و تطابق با آن به شمار می رود.

### راه های گریز از فقر

دو راه مبارزه وسیع با فقر وجود دارد. راه اول مبارزه با تطابق و سازش پذیری از طریق افزایش تعداد مردمی است که در برابر آن مقاومت کرده و از سازش پذیری خود با فقر امتناع می ورزد و برای گریز از تعادل فقر دارای انگیزه هستند. راه دوم این است که راههای گریز را تسهیل کنیم. سیاست تسهیل گریز از تعادل فقر و شکست تطابق و سازگاری با آن دارای دو جنبه دیگر است که به یکدیگر کاملاً وابسته می باشد: یکی تلاش برای تسهیل گریز از فقر در چارچوب تعادل فقر و فرهنگ و جامعه آن و دیگری حمایت از گریز از آن فرهنگ و جامعه است. واقعاً انسان از اینکه بشر در قرن گذشته در عین بی سواد یک حرکت موثری را به سوی اقتصادی آغاز نماید و متعجب می شود در آن زمان وقایع جالبی اتفاق افتاد که شایسته دقت و توجه و تحلیل ماست. تاکید زیاد بر حمل و نقل به

به طور موهن آمیز و خفت باری عکس العمل نشان می دهد می گویند این مردم مستحق هیچ نوع همدردی نیستند. چرا که به خود زحمت سعی کردن و آزمایش کردن را هم نمی دهند. چگونی و کیفیت روحیه تطابق و سازگاری با کار توسعه خدمات کشاورزی و همچنین برای مؤسسات بهبود امور زراعتی در کشورهای پیشرفته مسئله مهم تلقی می گردید.

در کشورهای مرفه و ثروتمند مردم غنی مدت ها قناعت مردم فقیر را، توجیه کننده نظام موجود تلقی می کردند. آنها استدلال می کردند که فقرا با تنگدستی خود خوشبخت بوده و انتظارات کمی دارند. اگر به آنها کمک کنیم، ممکن در آنها ایجاد نارضایتی بنماید. به علاوه ممکن است گران هم تمام شود. البته افراد با مروت و متمدن طبعاً سعی دارند خود را با این گونه افکار و ایده ها آلوده نکنند. واقعیت این است که نیاز به تهیه پوشاک، ذخیره کردن مواد غذایی و ساختن سر پناه در مناطقی که از نظر آب و هوا مساعد نیست مردم را وادار می سازد که در جهت تامین این نیازها تلاش کرده و نوعی تجربه عملی و فکری به دست آورند که زمینه های قبول و پذیرش سازگاری و تطابق را از میان بر می دارد. یکی از این تفاوت های حیاتی کشورهای فقیر و ثروتمند در همین تعداد کسانی است که تطابق با تعادل فقر را رد می کنند. در واقع این اقلیت





فرید اسماعیلیان

کلمات کلیدی: سارک، سفتا، سپتا، اتحادیه های منطقه ای، سازمان های منطقه ای، تجارت بین الملل

در آگست ۱۹۸۳ رهبران هفت کشور بنگلادش، سریلانکا، هند، پاکستان، نیپال، مالدیف و بوتان در طی نشستی که در دهلی نو برگزار شد، اعلامیه تأسیس اتحادیه همکاری منطقه جنوب آسیا (سارک) را مورد پذیرش قرار داده و موافقت کردند که در پنج زمینه ۱. کشاورزی و توسعه روستایی، ۲. ارتباطات، علم، تکنولوژی و هواشناسی، ۳. بهداشت و فعالیت های مردمی، ۴. حمل و نقل و ۵. افزایش شاخص نیروی انسانی، همکاری داشته باشند.

با توجه به اینکه گرایش به ترتیبات منطقه، یک پدیده عالم گیر است، قطعاً قاره بزرگ آسیا از این روند مستثنی نیست و آسیایی ها در حال حاضر در چند تشکّل بزرگ منطقه که شامل سارک (south Asia For Regional Cooperation) (ایکو)، سازمان همکاری شانگهای، به همگرایی منطقه مبادرت کرده اند. اندیشه تشکیل یک سازمان منطقه در میان کشورهای جنوب آسیا برای نخستین بار توسط ضیالرحمان، رئیس جمهور وقت بنگلادش در دهه هشتاد مطرح شد. وی در سال ۱۹۸۰ نامه برای سران شش کشور هند، پاکستان، سریلانکا، بوتان، جزایر مالدیف و نیپال ارسال کرد. در این نامه آن ها را به گرد آمدن در یک اتحادیه شبیه آسه آن و اتحادیه اقتصادی اروپا دعوت کرد. این پیشنهاد بنگلادش در طی نشستی که در کلمبو سریلانکا در

سارک زندگی می کنند. سارک با مؤسسات بین المللی و نهادهای کمک کننده بین المللی همکاری گسترده دارد و همچنین کشورهای آمریکا (از سال ۲۰۰۵)، جاپان (از سال ۲۰۰۵)، کوریای جنوبی (از سال ۲۰۰۵)، اتحادیه اروپا (از سال ۲۰۰۶) و جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۰۸) به عنوان عضو ناظر در آن حضور دارند.

### اهداف و اصول سارک

۱. ارتقای سطح تأمین مصالح اجتماعی مردم منطقه جنوب آسیا و افزایش کیفیت زندگی آن ها

۲. سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی و استفاده از تمام امکانات بالقوه منطقه، جهت تسریع در برنامه های اجتماعی و توسعه کشاورزی و تأمین فرصت زندگی مناسب برای تمامی مردم.

سال ۱۹۸۱ برگزار شد، مورد پذیرش هند، پاکستان و سریلانکا قرار گرفت. سرانجام سارک (SAARC) در آگست ۱۹۸۳ تأسیس شد. عضویت افغانستان در سارک نیز در سال ۲۰۰۵ از سوی هند پیشنهاد شد و نهایتاً در سال ۲۰۰۷ به عضویت کامل سارک درآمد. سارک در سیزدهمین جلسه سالانه خود فیصله نمود، تا شهر بامیان یکی از ولایت مرکزی افغانستان را به مثابه پایتخت فرهنگی خود معرفی کند. پایتخت فرهنگی سارک رسماً در سال ۲۰۱۵ با حضور مقامات بلند رتبه این سازمان و معاون دوم رئیس جمهور محمد سرور دانش و وزیر اطلاعات فرهنگ عبدالباری جهانی افتتاح گردید. اما این که افغانستان می تواند از امکانات و ظرفیت های مالی، تجارتي و ترانزیتی سازمان سارک استفاده کند، موضوع است که باید دست اندرکاران کشور متوجه آن باشند. چون افغانستان به مثابه پل ارتباط میان کشورهای عضو سارک و آسیای مرکزی می تواند، نقش کلیدی ایفا کند.

نکته قابل توجه این است که ۴۰ درصد از فقرای جهان در کشورهای حوزه

۳. ارتقا و تحکیم همکاری‌های مربوط به اعضا در بین کشورهای جنوب آسیا

۴. تقویت معاهدات چندجانبه و درک مشکلات و مسائل یکدیگر

۵. ارتقای همکاری‌های مؤثر و تشریک مساعی چندجانبه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری

۶. تقویت همکاری با کشورهای در حال توسعه

۷. تحکیم همکاری بین کشورهای عضو در رابطه با مسائل بین‌المللی

۸. همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که دارای اهداف و مقاصد مشابه هستند.

### موافقت‌نامه‌های سارک

سفتا (SAFTA) بعد از توافق‌های اولیه درباره تشکیل منطقه آزاد تجاری سارک (۱۹۹۷) قرار بود، کارهای مقدماتی آن تا سال ۲۰۰۱ تمام شود و موافقت‌نامه تجارت آزاد جنوب آسیا (سفتا) جنبه عملی و اجرایی به‌خود بگیرد. اما واقعیت آن است که تا کنون چنین بازار مشترکی در حوزه سارک شکل نگرفته و در سطح شعار باقی مانده است. علاوه بر این در سفتا (South Asia Free Trade Agreement) پیش‌بینی شده بود که کشورهای حوزه سارک تا سال ۲۰۲۰ در نوعی اتحاد اقتصادی، سیاسی نظیر اروپا قرار گیرند. اما با توجه به مشکلات موجود بین کشورهای اصلی عضو سارک، دستیابی به چنین هدفی دور از انتظار خواهد بود.

سپتا (SAPTA) در اپریل ۱۹۹۳، اعضای سارک به یک توافق تجاری دست

یافتند. آنها محتاطانه به ایجاد منطقه تجاری با عنوان منطقه تجاری ترجیحی سارک (سپتا) که در برخی از نوشته‌ها به "منطقه تجاری ترجیحی جنوب آسیا" نیز شهرت دارد، مبادرت کردند که این اتحادیه پیشرفت چندانی نکرد. مشاهدات نشان می‌دهند که بخش اعظمی از تجارت میان هفت کشور جنوب آسیا به صورت غیر رسمی و غیرثبتی است. نتایج برخی از مطالعات کاربردی نشان می‌دهد که سپتا (Sarc Preferential Trade Area) هنوز نتوانسته است یک بلوک اقتصادی را تشکیل دهد.

### ساختار سازمانی سارک

۱. اجلاس سران: در میان ارکان سارک، اجلاس سران مهم‌ترین نقش را برعهده دارد. در حقیقت اهم برنامه‌ها و اهداف آینده این سازمان در چنین جلساتی تعیین می‌شود. اجلاس سران به‌طور سالانه برگزار می‌شود. البته در برخی سال‌ها اختلافات میان اعضا، به‌خصوص هند و پاکستان مانع این امر گشته است.

۲. شورای وزیران: این شورا، از وزرای امور خارجه دولت‌های عضو تشکیل شده و مسئول تعیین سیاست‌ها، بازنگری و پیشرفت تصمیم‌گیری در مورد حوزه‌های جدید همکاری، تصویب راهکارهای جدید در صورت ضرورت و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مورد علاقه عمومی در اتحادیه است.

۳. کمیته دائمی: کمیته مذکور متشکل از مقامات ارشد وزارت خارجه دولت‌های عضو است. این کمیته، می‌تواند گروه‌های کاری را در راستای وظایف خود

تشکیل دهد. این گروه‌ها می‌توانند بین دو تا هفت کشور، عضو داشته باشند.

۴. دبیرخانه: دبیرخانه سارک در ۱۶ جون ۱۹۸۷ در کاتماندو (پایتخت نیپال) تأسیس شد. نقش آن، هماهنگ‌سازی و کنترل فعالیت‌های اجرایی و یا خدمات رسانی در جلسات اتحادیه و ایجاد نوعی کانال ارتباطی بین سارک و سایر سازمان‌های بین‌المللی است. بودجه سالانه دبیرخانه، توسط دولت‌های عضو و بر اساس یک برنامه پذیرفته‌شده تأمین می‌شود.

۵. مراکز منطقه‌ای: مراکز منطقه‌ای سارک در کشورهای عضو برای ترویج مشارکت منطقه‌ای در حوزه‌های متفاوتی که به آن‌ها واگذار شد، تأسیس شده‌اند.

۶. کمیته‌های فنی: این اتحادیه با ایجاد یازده کمیته فنی تلاش نمود که زمینه‌های گوناگون همکاری‌های منطقه‌ای با هدف دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی را شناسایی کند و برنامه‌ریزی برای توسعه این بخش‌ها را عملی سازد. این بخش‌ها عبارتند از:

- کشاورزی و جنگلداری

- آموزش، فرهنگ و ورزش

- بهداشت، جمعیت و رفاه

کودکان

- محیط زیست و هواشناسی

- توسعه روستایی

- گردشگری یا توریسم

- حمل و نقل

- علم و فناوری

- ارتباطات

- زنان و توسعه

-مبارزه با نقل و انتقال و

اعتیاد به مواد مخدر.

گروه‌های کاری: گروه‌های کاری همزمان با تشکیل کمیته‌های فنی و در راستای برنامه "تکمیل عملکرد" ایجاد شدند؛ تا بتوانند به مسائل جدید و اضطراری منطقه بپردازند.

۸. جلسات تخصصی وزیران: این جلسات اکثراً به دغدغه‌های سارک پیرامون اقتصاد، تجارت آزاد، محیط زیست، کاهش فقر و گسترش گردش‌گری می‌پردازند.

### آینده سارک

سارک به‌عنوان یک اتحادیه اقتصادی و تجاری در جنوب آسیا تاکنون تجربه مؤلفی از خود نشان نداده است و شرایط به گونه نیست که بتوان با ضرب اطمینان قابل قبول پیش‌بینی کرد که در سال‌های نزدیک تحولی عمده در مناسبات اقتصادی و تجاری کشورهای عضو سارک رخ دهد. ظن غالب در این خصوص آن است که هرکدام از کشورهای عضو سارک در مبادلات جاری خود، هم‌چنان به کشورهای خارج از سارک وابسته باقی بمانند و سارک به اهدافی که در نظر داشته، دست نیابد. کشورهای عضو سارک، ضمن آن که منطقه‌گرایی اقتصادی و تجاری را برای توسعه ملی خود ضروری می‌دانند، اعتقاد به این ندارند که به نیازهای شان در این‌باره از طریق سارک پاسخ داده شود. درست به همین دلیل متوجه مناطق تجاری خارج از حوزه سارک شده‌اند. هند به آسه‌آن نظر مثبت یافته و پاکستان به طرف کشورهای اسلامی توجه کرده است.

## فشرده برنامه صد روز نخست وزارت اقتصاد

۱۲. تطبیق و نظارت از پروژه‌های کوچک انکشافی وزیر اقتصاد کشور، استفاده نادرست از کمک‌های جامعه جهانی در ۱۴ سال اخیر را یاد نمود و ابراز نگرانی کرد که، با وجود سرازیر شدن میلیاردها دالر به افغانستان فقر در حال افزایش است و هم اکنون ۳۶ درصد نفوس کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

۱. تحلیل وضعیت فقر در سطح کشور  
۲. آسیب‌شناسی وضعیت اقتصادی در سطح ولایات

۳. ارزیابی و رده‌بندی مؤسسات غیر دولتی

۴. ترتیب گزارش دهی

۵. تبیین اهداف انکشافی هزاره برای افغانستان

۶. بلند بردن میزان مؤثریت سازمان‌های همکاری‌های اقتصادی منطقوی

۷. تقویت و فعال ساختن سیستم مدیریت معلوماتی

۸. هماهنگی و نظارت ربعوار پروژه‌های انکشافی

۹. تحلیل و ارزیابی پروژه‌های پیشنهادی واحدهای بودجوی

۱۰. اصلاح و انکشاف ارتقای ظرفیت نهادی

۱۱. ارزیابی مشاورین داخلی و بهبود روند هماهنگی

دهد.



# همگرده کمیسیون بین‌وزارتی (ICE) و وضعیت انرژی در افغانستان



ترتیب: دفتر (ICE)

با آن که مشکلات جدی در انکشاف سکتور انرژی محسوس بود، با آن هم در مقایسه سال ۱۳۸۵ تحولات چشمگیری رونما شد که دسترسی شماری عظیمی از استفاده کنندگان را انعکاس میدهد و ذیلاً به تغییرات مثبت اشاره میگردد.

تولید انرژی برق از منابع داخلی از (۲۹۵) میگاوات به (۵۵۷,۵) میگاوات ازدیاد بعمل آمده .

تمدید لاین انتقال ولتاژ بلند از حدود (۶۰۰) کیلومتر به (۲۲۶۱) کیلومتر .

ازدیاد ظرفیت تولید انرژی برق از (۵۰) میگاوات به (۹۵۵) میگاوات

توسعه و اصلاح سب ستیشن ها از (۶۰۰) میگاوات امپیر به (۱۳۲۴) میگاوات امپیر.

این انکشاف از بودجه انکشافی از طریق دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تمویل کنندگان به طور مستقیم صورت گرفته که باعث گردید، تا در بعضی از پروژه ها نیاز به هماهنگی فی ما بین تمویل کننده گان و سکتور دولتی دیده شود. به همین خاطر کمیسیون بین‌وزارتی انرژی ایجاد گردید که نه تنها همکار ادارات سکتور انرژی می باشد، بلکه در هماهنگی و انعکاس پروژه های بس عمده در مجالس کمیسیون بین‌وزارتی انرژی و مستقیماً با تمویل کننده گان و وزارت های سکتوری جهت تطبیق اقدامات لازم در تماس است. اکثریت پروژه های انرژی با تأسی از پلان های ستراتیژیک و ماستر پلان ها اولیت بندی و در مجالس عمومی کمیسیون بین‌وزارتی مورد تأیید و تطبیق شده است. هکذا باید متذکر شد که کمیسیون بین‌وزارتی انرژی در ترتیب قانون تنظیم خدمات برق، پالیسی ها انرژی و ماستر پلان های سکتور همکار وزارت های مربوط و کمپنی های مطالعه کننده بوده است.

کمیسیون بین‌وزارتی انرژی وب سایت معلومات همه جانبه انرژی را ایجاد نمود و سبب شد، تا از پیشرفت همه پروژه های انرژی، تولید انرژی، توزیع انرژی، تولید انرژی و ارزیابی ضایعات انرژی همه علاقمندان استفاده لازم ببرند. با مساعی مشترک

افغانستان با درنظرداشت ساختار جغرافیای و قدامت نهایت کهن مملو از منابع سرشار انرژی میباشد که قسماً ظرفیت های موجود انرژی از منبع آب با درنظرداشت سروی های سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۳ الی ۲۳۰۰۰ میگاوات مشخص گردیده است. همچنان سروی اداره انکشافی ایالات متحده در رابطه به انرژی باد و آفتاب نیز ثابت گردیده که افغانستان کشوری غنی منابع غیر فیسولی نیز میباشد. کشور ما خالی از انرژی زغال سنگ، گاز و نفت نیست که امیدواریم با مطالعات تخنیکی مقدار اعظمی پوتانسیل های موجود تثبیت گردد و به بهره برداری برسد.

با تاسف فراوان بر اساس عدم موجودیت منابع مالی، مشکلات امنیتی و سیاسی امکان تولید انرژی برق از منابع سرشار کشور مساعد نگردید و متیقن هستیم، بامساعی مشترک دولت و سکتور خصوصی بعد از منظوری قانون تنظیم خدمات برق در انکشاف کشور از منابع طبیعی اقدامات عملی صورت گیرد.

وزارت های محترم انرژی و آب، انکشاف دهات، معادن و پترولیوم، مالیه، امور خارجه، شرکت برشنا و در رأس وزارت اقتصاد که مسوولان اصلی کمیسیون بین الوزارتی انرژی میباشند، در موارد و مسایل کلیدی ذیل به همکاری تمویل کنندگان اقدامات ذیل را انجام می دهند:

اتصال کشور از طریق لین های انتقالی ۲۲۰ کیلو وات به کشور های ازبکستان و تاجکستان جهت انتقال انرژی از کشور های متذکره که هر یک سیستم ظرفیت ۳۰۰ میگاوات برق را انتقال داده میتواند.

البته باید یاد آور شد که با احداث دستگاه های تولید برق در کشور میتوان از لین های تمدید شده فوق استفاده نمود. هیچگاه نمیتوان تنها با لین انتقال از انرژی برق بدون موجودیت سب ستیشن ها استفاده نمود. بناءً در مسیر لین های انتقال افغانستان - ازبکستان و تاجکستان - افغانستان سب ستیشن های مزار شریف، پلخمري، بغلان، کندز، چمتله، اییک، امام صاحب، بت خاک، سوچنگ ستیشن نایب آباد و توسعه سب ستیشن های شمال، شمال غرب، برشنا کوت و شرق کابل ساختمان گردیده که ظرفیت مجموعی ( ) میگاولت امپیردر سیستم توزیع ازدیاد به عمل آمده است. با داشتن

سب ستیشن های توزیع ایجاب می نماید، تا در توزیع انرژی برق به مشتریان در شبکات توزیع کننده انکشاف و توسعه لازم مطابق ظرفیت سب ستیشن ها صورت گیرد که بدین منظور توسعه و احیای مجدد شبکه های توزیع کننده شهر ها و ولسوالی های کابل، مزار شریف، کندز، خلم، اییک، پلخمري، چاریکار، بغلان و ولسوالی های شهر کابل اکثراً تکمیل و قسماً جریان دارد که ظرفیت ( ) میگاولت امپیر را ایجاد نموده است.

تولید انرژی برق دستگاه برق آبی بند سلما با ظرفیت ۴۲ میگاوات و دستگاه های کوچک آبی در ولایات تخار و بدخشان از موارد اند که مؤفقانه و موازی به دستگاه های آبی دستگاه برق حرارتی تره خیل به ظرفیت ۱۰۵ میگاوات و دستگاه برق حرارتی خیرخانه به ظرفیت ۵۰ میگاوات تکمیل گردیده اند. از پروژه های عمده توافقات کامل روی تطبیق CASA، TAPI اند که کار جریان دارد.

پروژه تمدید لین انتقال ۵۰۰ کیلو ولت با جریان متناوب از کشور قرغزستان بطول بیشتر از ۴۰۰ کیلومتر الی دستگاه برق سنگنوده کشور تاجیکستان و از دستگاه متذکره به ولتاژ ۵۰۰ کیلو ولت جریان مستقیم الی افغانستان و در نهایت به شهر پشاور کشور پاکستان لین انتقال تمدید میگردد که در مسیر لین سب ستیشن تعویض کننده جریان متناوب به جریان مستقیم در تاجیکستان به ظرفیت ۱۳۰۰ میگاوات و سب ستیشن تعویض کننده جریان مستقیم به متناوب به ظرفیت ۳۰۰ میگاوات در افغانستان و به ظرفیت ۱۳۰۰ میگاوات در پاکستان خواهد گردید. افغانستان از مقدار ۳۰۰ میگاوات ظرفیت، مطابق قرارداد با کشورهای قرغزستان و تاجیکستان استفاده خواهد نمود. در صورتی که امکان استفاده اعظمی در افغانستان از مقدار معینه متصور نباشد، مطابق قرارداد با پاکستان انرژی مازاد به کشور پاکستان به فروش خواهد رسید. در نهایت از این پروژه بزرگ افغانستان با وجودی که از انرژی برق موسوم مستفید میگردد، اجرت حق العبور را در مقابل فی کیلووات ۱,۲۵ سنت دالر امریکایی نیز اخذ می نماید.

پروژه انتقال گاز کشور ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و در نهایت هندوستان نیز مورد توجه قرار داشته و میتواند مقدار گاز مورد نیاز کشور را تکافو نماید. همچنان از انتقال گاز به کشورهای پاکستان و هندوستان اجرت حق العبور نیز اخذ می گردد.

این دو پروژه بزرگ موقعیت افغانستان را من حیث کشور دهلیز برای کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی ثابت ساخته که میتواند در آینده نزدیک ممد بنیادین در ایجاد مارکیت منطقوی انرژی و تجارت باشد.

# رپور ارزیابی و اولویت بندی پروژه های پیشنهادی

## سال ۱۳۹۵ هجری خورشیدی



### مقدمه:

وزارت اقتصاد منیجمنت نهاد هماهنگ کننده و انسجام دهنده فعالیت های اقتصادی در سطح کشور مسؤولیت جمع آوری، تحلیل، ارزیابی و اولویت بندی پروژه های جدید انکشافی کلیه واحد های بودجوی (مرحله نظارت قبل از سرمایه گذاری) را به عهده داشته و معمولاً همه ساله این پروسه را طبق تقویم بودجه، آغاز و متکی بر اولویت های ملی و محلی تکمیل مینماید.

مطابق بند ۵، ماده ۱۲، مقرره اجراءات و فعالیت های وزارت اقتصاد "جمع آوری، تحلیل و ارزیابی پروژه های انکشافی ادارات سکتوری جهت ترتیب بودجه انکشافی و ارائه آن به وزارت مالیه" از جمله وظایف

این وزارت می باشد که مطابق بر آن، وزارت اقتصاد طی سالهای متوالی وظیفه فوق را انجام داده و اخیراً جهت بهبود و معیاری ساختن پروسه، یک سلسله نو آوری های را بر اساس معیارهای تحلیل و ارزیابی پروژه ها روی دست گرفته که شامل موارد ذیل میباشد.

- معرفی فورم کانسپت نوت پروژه ها به عنوان الگویی برای ارائه طرح پروژه های انکشافی توسط کلیه واحدهای بودجوی

- تهیه چک لسٹ بمنظور ارزیابی تخنیکی کانسپت نوت پروژه ها

- معیاری سازی سیستم راپور دهی از پروسه ارزیابی پروژه های انکشافی پیشنهادی

- ایجاد فارمت پروپوزل، به عنوان الگویی برای ارائه جزئیات پروژه های

انکشافی توسط واحدهای بودجوی به وزارت اقتصاد

- ساده سازی پروسه ارزیابی پروژه ها، که به عوض چندین جلسات و مذاکرات بودجوی صرف یک جلسه با هر اداره گرفته میشود

به منظور انجام این مامول، در سال جاری برای اولین بار شکل مفهومی (فارمت کانسپت نوت) پروژه ها برای

تمامی پروژه های پیشنهادی تهیه و رسماً به واحدهای بودجوی ارسال و ضمناً تقاضا گردید، تا هر واحد بودجوی پیشنهادات پروژه های جدید شان را در چارچوب همین کانسپت نوت تهیه و به وزارت اقتصاد ارائه دارند. خوشبختانه تمامی واحدهای بودجوی توانستند تا پروژه های پیشنهادی شان را در چوکات کانسپت نوت ترتیب و به این وزارت ارسال بدارند.

فورم کانسپت نوت متشکل از سه صفحه بوده که دربرگیرنده ۲۳ قسمت میباشد. برای تمامی پروژه ها، بدون در نظر داشت



پیشنهادی شان را در قالب کانسپت نوت به این وزارت ارسال داشتند.

از جمله ۵۸ واحد بودجوی، ۴۲ واحد، پروژه های پیشنهادی شان را برای سال ۱۳۹۵ پلان و پیشنهاد نموده و ۱۶ واحد متباقی آن پروژه جدید برای پیشنهاد گذاشتند. از جمله ۱۶ واحد بودجوی که هیچ پروژه جدیدی پیشنهاد نه نموده اند، ۶ واحد آن مربوط به سکتور حکومتمداری، ۲ واحد آن مربوط به سکتور زیربنا، ۱ واحد آن مربوط به سکتور زراعت و انکشاف دهات، ۲ واحد آن مربوط به سکتور مصئونیت اجتماعی، ۵ واحد مربوط به سکتور اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی میگردد.

گراف ذیل مقایسه تعداد ادارات تحت هر سکتور را که پروژه جدید پیشنهاد نموده و یا نه نموده اند را بیان میدارد:

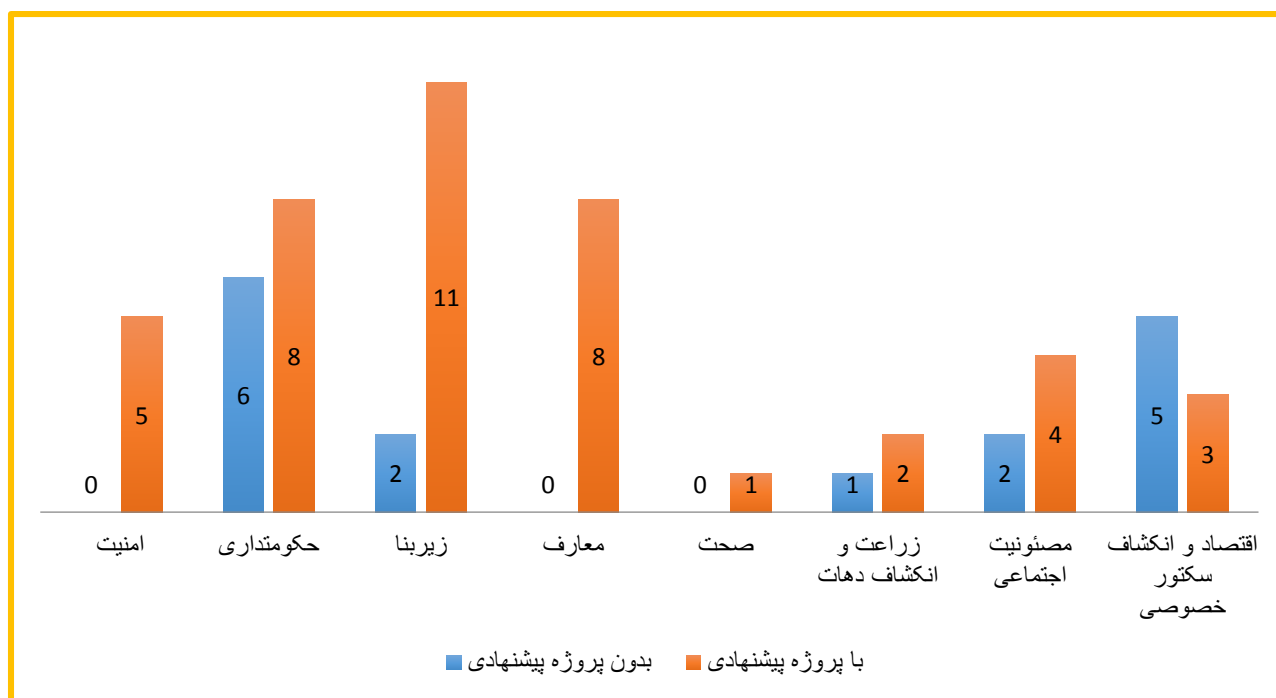
تطبيق آن طی سالهای بعدی مدنظر بوده و بعداً به وزارت مالیه ارائه میگردد. راپور هذا مشتمل بر دو بخش می باشد که قسمت اول آن دربرگیرنده اعداد ارقام بودجوی، بحث و تحلیل پروژهها و قسمت دوم در برگیرنده ضمایم که لست پروژه های تأیید شده، فورم کانسپت نوت و چک لست ارزیابی کانسپت نوت میباشد.

### آغاز پروسه ارزیابی

پروسه تحلیل، ارزیابی و اولویت بندی کانسپت پروژه های پیشنهادی سال ۱۳۹۵ به تاریخ ۲۰ دلو سال ۱۳۹۳ با ارسال مکاتیب رسمی عنوانی تمام واحدهای بودجوی آغاز گردیده و در مطابقت با آن برای تمامی واحدهای بودجودی رهنمائی و هدایت داده شد تا ۲۰ روز تمامی پروژه های خویش را در قالب کانسپت نوت به وزارت اقتصاد ارسال بدارند که خوشبختانه تمامی ادارات صرف با اندک تاخیر، پروژه های

حجم آن ضرورت است تا در مرحله ارزیابی و اولویت بندی پروژه ها، کانسپت نوت آن تهیه و به وزارت اقتصاد ارسال گردد. فارمات کانسپت نوت شامل موضوعات مالی، بودجوی، ارتباط با استراتیژی، تنایج، خطرات احتمالی، ظرفیت اداره پیشنهاد کننده و سایر موضوعات میباشد.

وزارت اقتصاد پروژه های پیشنهادی را بعد از جمع آوری در دو مرحله، ارزیابی و در قسمت اولویت بندی آن مطابق به معیارهای مدنظر، تصامیم مقتضی اتخاذ گردید. پروژه هاییکه توانستند معیارهای ارزیابی و قناعت وزارت های اقتصاد و مالیه را از نظر مؤثریت حاصل نمایند، تأیید و اولویت بندی گردیدند. پروژه هایی که در اولویت اول قرار گرفتند شامل پروژه هایست که آغاز تطبيق آن در سال ۱۳۹۵ ضروری پنداشته شده برای وزارت مالیه جهت تمویل ارسال گردیدند و پروژه هایی که در اولویت دوم و سوم قرار گرفته اند



با مقایسه تعداد پروژه های پیشنهادی ادارات طی سالهای ۱۳۹۵ و ۱۳۹۴ درمیابیم که سال قبل فقط ۱ واحد بودجوی (اداره کنترل تفتیش) پروژه جدید برای پیشنهاد نداشته در حالیکه این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۱۶ اداره ازدیاد یافته است. بناءً میتوان نتیجه گرفت که در سال ۱۳۹۵ ادارات علاقمندی کمتری برای سرمایهگذاری و تطبیق پروژه های انکشافی نظر به سال قبل دارد. از دلایل عمده کاهش علاقمندی در سرمایهگذاری ها میتوان از عدم تمویل پروژه ها توسط وزارت مالیه در سال قبل نام برد.

سال گذشته وزارت مالیه صرف ۱ پروژه را تمویل نموده که سبب کاهش اعتماد ادارات برای سرمایهگذاری ها از طریق بودجه دولت و بالاخره سبب بلند رفتن گراف ادارات که پروژه های پیشنهادی نداشته اند، شده است. در صورتیکه امسال همچنان پروژه ها از طرف وزارت مالیه تمویل گردیده نتواند، این بی اعتمادی برای سالهای بعدی بیشتر خواهد گردید.

### میتودولوژی

ریاست عمومی طرح و توحید وزارت اقتصاد منجیت آغاز کننده پروسه ارزیابی پروژه های جدید، از تمامی ریاست های سکتوری این وزارت رسماً خواست نمود تا پروژه های جدید پیشنهادی ادارات را جمع آوری نمایند. پروسه جمع آوری پروژه های انکشافی از تمامی ادارات حدوداً بیست روز را دربر گرفته و خوشبختانه با تاخیر نه چندان زیاد تکمیل گردید. با تکمیل پروسه جمع آوری، ریاست های سکتوری کانسپت نوت تمامی پروژه های پیشنهادی را با استفاده از معیارات شامل

چک لست، ارزیابی و نمره دهی نمودند. این مرحله در حقیقت میکانیزم نمره دهی محتویات کانسپت نوت پروژه ها بوده که در آن تاثیرات و ارتباط موضوعات مختلف مندرجه کانسپت نوت پروژه ها مطالعه میگردد. چک لست متذکره شامل ده قسمت بوده که هر بخش آن نمرات متفاوتی داشته و مجموع آن ۱۰۰ میگردد. ارتباط با استراتژی، موقعیت، ایجاد شغل، ارقام مالی، حفظ و مراقبت، موضوعات مشترک، تداوم پروژه، علاقمندی مراجع ذیدخل، ظرفیت اداره تطبیق کننده و شناسائی خطرات موضوعات ایست که ذریعه این چک لست نمره دهی میگردد. هرگاه یک پروژه نتواند که حداقل ۵۰ نمره را بدست بیاورد، در این مرحله حذف میگردد. (چک لست ارزیابی کانسپت پروژه های انکشافی را در ضمیمه چهارم این رهنمود مطالعه نموده میتوانید).

پروژه هائیکه مرحله ارزیابی کانسپت نوت را موفقانه سپری نمودند به مرحله مذاکرات بودجوی راه پیدا کردند. در این مذاکرات بالای پروژه ها بحث های همه جانبه صورت گرفته و جوابات به پرسش های وزارت های اقتصاد و مالیه توسط اداره پیشنهاد کننده پروژه ارائه گردید. پروژه هائیکه مورد تائید در این مرحله قرار گرفتند در حقیقت پروژه هائیسست که قناعت اعضاء مجلس را فراهم نموده و برای تطبیق آن رای مثبت داده شد، ولی پروژه هائیکه قناعت اعضاء مجلس را فراهم ساخته نتوانستند حذف گردیدند. این پروژه ها شامل پروژه های بوده که یا اجرای آن از طریق بودجه عادی ممکن بوده و یا اینکه موثریت اقتصادی نداشته

اند. مثلاً پروژه ارتقاء ظرفیت کارمندان که یکی از بخش های اساسی بوده و کانسپت آن مورد قبول گرفته بود، از اینکه آنرا میتوان از طریق کود ۲۲ بودجه عادی پیشنهاد نمود بناءً در مذاکرات بودجوی از لست پروژه های انکشافی حذف گردید.

قابل ذکر است روند مذاکرات بودجوی مدت سه هفته را در بر گرفت. گرچه مدت سه هفته، زمان بسیار محدودی برای ارزیابی همه جانبه پروژه ها بوده آنهاهم که در تعداد از جلسات مامورین رده های پائین ادارات ذیربط اشتراک ورزیده، ولی علی الرغم آن مسئولین وزارت اقتصاد توانسته تا پروژه ها را با در نظر داشت جوانب مختلف، ارزیابی و این پروسه را به وقت و زمان معین آن تکمیل نمایند.

پروژه های تائید شده به کتگوری های اول، دوم و سوم تقسیم بندی گردیدند که از جمله پروژه های دارای اولویت اول به وزارت مالیه جهت تمویل ارسال شده و پروژه های شامل اولویت های دوم و سوم برای سالهای بعدی واگذار گردید.

جهت مطالعه بودجه ولایتی پروژه ها، فرضیه ما به ارتباط پروژه هائیکه در بیشتر از یک ولایت تطبیق میگردد و سهم مالی هر ولایت در کانسپت نوت پروژه واضح نمیشد، اینست که تمامی ولایت تحت یک پروژه بگونه مساویانه از پروژه مستفید میگرددند، بناءً قیمت مجموعی پروژه را تقسیم بر تعداد ولایات که پروژه متذکره در آن تطبیق میگردد نموده و سهم هر ولایت بدست آورده شده است.

باید گفت که دسته بندی واحدهای بودجوی بر اساس هشت سکتور ذکر شده

و معینان مسلکی بعضی از ادارات سکتوری تحت ریاست وزارت اقتصاد مشترکاً تصمیم اتخاذ شده که به تعداد (۷۳) پروژه قناعت اعضا مجلس مذاکرات بودجوی را بدست نیاورده، رد گردیدند. از مجموع (۲۶۱) پروژه تایید شده به تعداد (۱۳۱) پروژه در اولویت اول، (۱۱۶) پروژه آن در اولویت دوم و (۱۴) پروژه آن در اولویت سوم تثبیت و شامل فهرست پروژه های پیشنهادی جدید گردیده اند که بنابر محدودیت منابع مالی صرف پروژه های دارای اولویت اول در چوکات کانسپت نوت ها غرض تمویل به وزارت مالیه (کمیته بودجه) ارسال گردیده است.

گراف ذیل تعداد مجموعی، تأیید شده و رد شده پروژه ها را در هر مرحله را نشان میدهد:

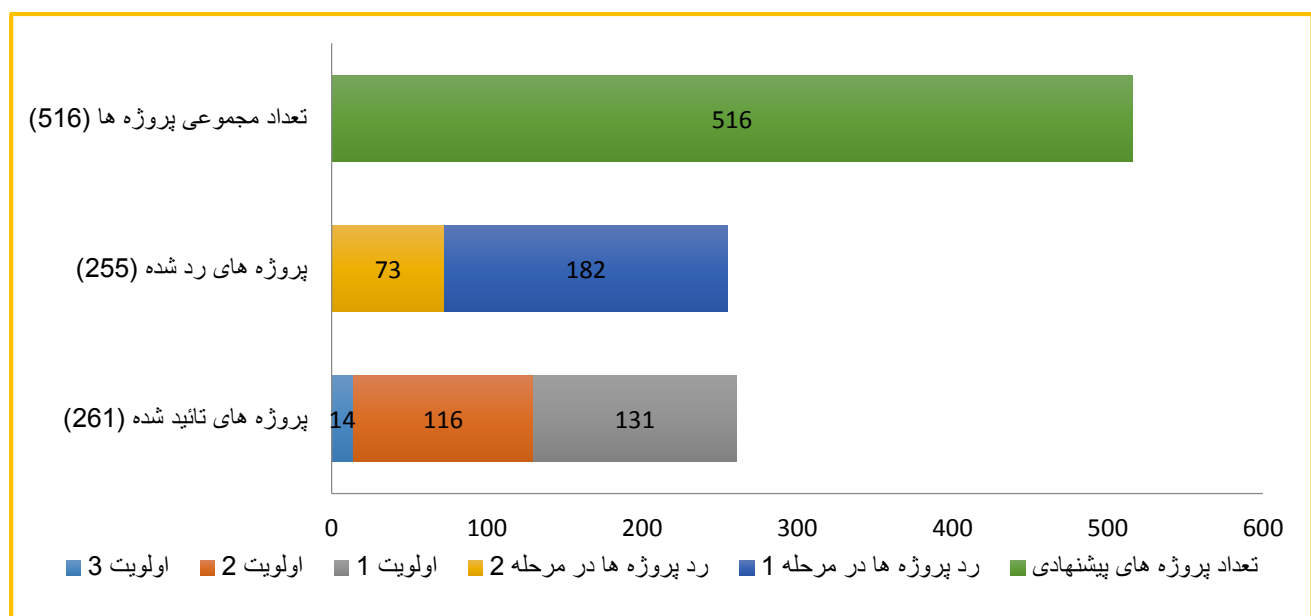
استفاده از معلومات درج کانسپت نوت توسط وزارت اقتصاد صورت گرفته است. پیشنهادات جهت مجادله با مشکلات متذکره سنجیده شده و یکجا با خلاصه راپور تذکر داده شده است.

### تحلیل عددی پروژه ها

تعداد پروژه های پیشنهادی جدید برای سال ۱۳۹۵ جمعاً به (۵۱۶) پروژه میرسید که از آنجمله به تعداد (۱۸۲) پروژه آن با در نظرداشت نتیجه ارزیابی و مطالعه تخنیکی مقدماتی پروژه ها متکی بر معیار های ارزیابی کانسپت نوت ها نمرات معیاری را بدست نیاورده و قابل پذیرش نبودند. تعداد پروژه های که شامل مذاکرات بودجوی گردیدند به (۳۳۴) پروژه میرسیدند. که طی این مذاکرات به اشتراک مسئولین وزارت اقتصاد، مالیه، روسای پلان و پالیسی

در استراتژی انکشاف ملی افغانستان صورت گرفته و هر واحد بودجوی تحت یکی از سکتور ها قرار گرفته و سکتور ها در این راپور به اساس حروف الفبا لست شده است. سکتور امنیت شامل پنج واحد بودجوی، سکتور حکومتداری شامل چهارده واحد بودجوی، سکتور زیربنا شامل سیزده واحد بودجوی، سکتور معارف شامل هشت واحد بودجوی، سکتور صحت شامل یک واحد بودجوی، سکتور زراعت و انکشاف دهات شامل سه واحد بودجوی، سکتور مصئونیت اجتماعی شامل شش واحد بودجوی و سکتور اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی شامل هشت واحد بودجوی میگردد که میتواند در ضمیمه اول این راپور لست ادارات تحت هر سکتور را مشاهده نمائید.

خطرات احتمالی فراراه پروژه ها توسط ادارات پیشنهاد کننده پروژه پیشبینی شده که دسته بندی آن با





و اما با در نظر داشت تعداد پروژه های تأیید شده بعد از ارزیابی وزارت اقتصاد در دو مرحله، سکتور های زیر بنا، امنیت و معارف بیشترین سهم را داشته در حالیکه سکتور های اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی، زراعت و انکشاف دهات و مصئونیت اجتماعی کمترین سهم را بخود اختصاص داده اند.

از جمله پروژه های قرار گرفته در اولویت اول، سکتور زیر بنا بیشترین و سکتور اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی کمترین تعداد پروژه ها را به خود تخصیص داده اند.

جدول ذیل سهم تعداد پروژه های تأیید شده هر سکتور را نشان میدهد:

واحدهای بودجوی را در بر گرفته، در حالیکه تعداد دیگری، واحدهای بودجوی اندک را در بر میگیرد. بناءً برای تحلیل بهتر میتوان که تعداد مجموعی پروژه های پیشنهادی هر سکتور را تقسیم بر تعداد واحدهای بودجوی تحت همان سکتور نمائیم تا اوسط پروژه های پیشنهادی هر واحد بودجوی تحت هر سکتور را دریابیم.

با استفاده از این معیار سکتورهای صحت، معارف و زیر بنا از جمله سکتورهای پیشتاز بوده که واحدهای بودجوی تحت این سکتورها بیشترین پروژه ها را پیشنهاد نموده و در مقابل سکتورهای اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی، زراعت و انکشاف دهات و حکومتداری کمترین سهم را دارا میباشد.

با توجه به تعداد پروژه های پیشنهادی سکتورها میتوان گفت که افغانستان راه طولانی را در سکتورهای زیر بنا و معارف پیشرو داشته و باید تمرکز بیشتر در این سکتور ها صورت گیرد. این دو سکتور به تنهایی بیش از ۵۰٪ تمامی پروژه های پیشنهادی را به خود اختصاص داده اند. و اما سکتورهای زراعت و انکشاف دهات، و اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی دو سکتوریست که کمترین تعداد پروژه های پیشنهادی را برای سال ۱۳۹۵ به خود اختصاص داده اند.

یکی از دلایل عمده تفاوت میان تعداد پروژه های پیشنهاد شده در هر سکتور، تعداد واحدهای بودجوی تحت هر سکتور میباشد. یک تعداد سکتورها تعداد بیشتر از

اوسط پروژه ها بر هر اداره	اولویت های پروژه های تأیید شده			تعداد پروژه های که در جلسات مذاکرات رد گردیدند	تعداد پروژه های که کانسپت آن معیارات را پوره نموده است	تعداد پروژه های پیشنهاد شده	سکتور ها
	۳	۲	۱				
۱۱,۴	۱۲	۲۲	۱۴	۰	۹	۵۷	امنیت
۴,۵	۱	۱۶	۱۳	۰	۳۳	۶۳	حکومتداری
۱۳	۰	۵۲	۴۵	۳۱	۴۱	۱۶۹	زیر بنا
۱۳,۱	۰	۱۲	۲۷	۳۸	۲۸	۱۰۵	معارف
۴۹	۰	۵	۱۲	۰	۳۲	۴۹	صحت
۳,۷	۱	۰	۱۰	۰	۰	۱۱	زراعت و انکشاف دهات
۶,۷	۰	۹	۴	۰	۲۷	۴۰	مصئونیت اجتماعی
۲,۷	۰	۰	۶	۴	۱۲	۲۲	اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی
۱۲,۲	۱۴	۱۱۶	۱۳۱	۷۳	۱۸۲	۵۱۶	مجموع

## تحلیل مالی پروژه ها

برای تطبیق پروژه های تائید شده جمعاً ۴٫۶ میلیارد دالر ضرورت بوده که ۲٫۲ میلیارد آن برای پروژه های دارای اولویت اول و ۲٫۴ میلیارد آن برای پروژه های دارای اولویت دوم و سوم پیشنهاد گردیده است. با در نظر داشت مطالعه و ارزیابی پروژه ها، از اینکه پروژه های دارای اولویت اول از جمله پروژه های ضروری بوده و تطبیق آن در سال ۱۳۹۵ و سال های بعدی یک ضرورت مبرم میباشد، بناءً صرف پروژه های دارای اولویت اول جهت تمویل به وزارت مالیه ارسال گردیده است.

باید گفت که در صورت تطبیق پروژه های اولویت اول، دولت جمهوری اسلامی افغانستان مجموعاً نیاز به مبلغ ۲٫۲ میلیارد دالر امریکائی دارد که از آنجمله مطابق پلان پیشبینی شده مبلغ ۵۶۶٫۹ میلیون دالر (۲۶٪) آن در سال مالی ۱۳۹۵ و متباقی آن طی سالهای بعدی از طرف ادارات مربوط تقاضا گردیده است.

در سرمایه گزاری مجموعی فوق سکتورهای زیر بنا با سهم ۱۷۲۹٫۱۱ میلیون دالر (۷۸٫۸٪)، امنیت ۱۵۷٫۴۴ میلیون دالر (۷٫۲٪)، معارف ۱۲۰٫۷۹ میلیون دالر (۵٫۵٪)، زراعت و انکشاف دهات ۱۰۰٫۲۷ میلیون دالر (۴٫۶٪)، اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی ۴۲٫۹ میلیون دالر (۲٫۰٪)، صحت ۲۴٫۱۳ میلیون دالر (۱٫۱٪)، حکومتداری ۱۵٫۱۱ میلیون دالر

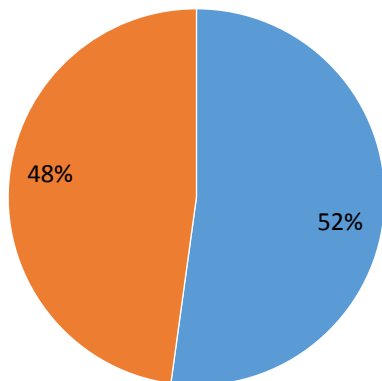
(۰٫۷٪) و بالاخره مصونیت اجتماعی با ۴٫۵ میلیون دالر (۰٫۲٪) سهم داشته اند.

سکتور زیر بنا بیشترین سهم را بخود اختصاص داده و قابل ذکر است که اکثر پروژه های شامل این سکتور پروژه های ظرفیتی و ملی بوده باعث ایجاد ظرفیت آنی و دراز مدت گردیده و در ماهیت به دیگر سکتورها تاثیر مثبت می گذارد. مثلاً، با اعمار بند برق، نه تنها می توان خدمات ارائه برق را رونق داد، بلکه می توان به سکتور زراعت و انکشاف دهات فایده رساند و نهایتاً تا حد زیادی به پروسه کاهش بیکاری و فقر کمک نمود. سکتور زیر بنا، از جمله سکتورهای دارای اهمیت بوده و هر سرمایه گذاری در این بخش می توان کشور را در راه پیشرفت و توسعه یاری رساند.

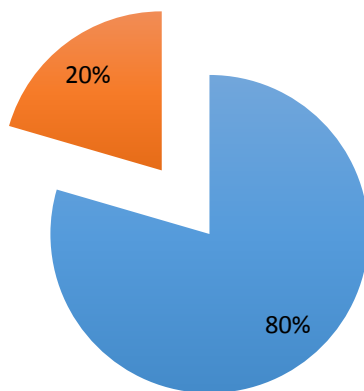
سکتور مصونیت اجتماعی کمترین مبلغ پولی را به خود اختصاص داده که علت عمده آن کم بودن قیمت پروژه های این سکتور است. این بدین معنی است که تعداد پروژه های موجود در این بخش می تواند نیازمندی های مبرم را بر طرف کند، اما چون قیمت هر پروژه کم است، مبلغ کلی اختصاص یافته به این سکتور نیز کم میباشد. این سکتور شامل اداراتی می شود که تنها در راستای مسائل اجتماعی فعالیت دارند. این در حالیست که سرمایه گذاری در سکتور زیر بنا، و مصونیت اجتماعی

تاثیر مستقیم را بالای کاهش فقر، بیکاری، و به نوبه خود بالای سایر سکتورهای مرتبط را دارا میباشد که باید مورد توجه دولت قرار گیرد.

جدول ذیل سهم پولی هر سکتور را در کتگوری اولویت اول نشان میدهد:



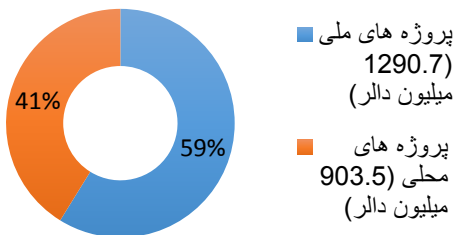
اولویت اول اولویت دوم و سوم



مجموع بودجه پیشنهادی بودجه پیشنهادی سال 1395

سکتور ها	مبلغ مجموعی پروژه های تأیید شده اولویت اول	مبلغ پیشنهادی سال ۱۳۹۵ پروژه های تأیید شده اولویت اول	% سهم هر سکتور در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۵	% سهم هر سکتور در بودجه کلی
امنیت	۱۵۷,۴	۷۶,۹	۱۳,۶%	۷,۲%
حکومتداری	۱۵,۱	۸,۲	۱,۵%	۰,۷%
زیربنا	۱۷۲۹,۱	۳۷۴,۱	۶۶,۰%	۷۸,۸%
معارف	۱۲۰,۹	۶۴,۴	۱۱,۴%	۵,۵%
صحت	۲۴,۱	۸,۸	۱,۶%	۱,۱%
زراعت و انکشاف دهات	۱۰۰,۳	۲۹,۲	۵,۱%	۴,۶%
مصنوعیت اجتماعی	۴,۵	۲,۱	۰,۴%	۰,۲%
اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی	۴۲,۹	۳,۴	۰,۶%	۲,۰%
مجموع	۲۱۹۴,۱۷	۵۶۶,۹	۱۰۰%	۱۰۰%

• ارقام به میلیون دالر میباشد.



تمویل ۰,۲% مجموع بودجه جدید پیشنهادی باشد، بودجه مجموعی سال ۱۳۹۵ بالغ به ۱۳۵۱,۱ میلیون دالر گردیده که نمایانگر ۵۰% کاهش در مجموع بودجه انکشافی سال ۱۳۹۵ نظر به سال ۱۳۹۴ می باشد.

### تحلیل ولایتی پروژه ها پیشنهادی (از نظر انکشاف متوازن)

از دیدگاه تقسیمات ولایتی، تمامی پروژه های تأیید شده به دو دسته تقسیم میگردند. دسته اول شامل پروژه های ملی بوده که کلیه ولایات و مردم از آن مستفید میگردند. دسته دوم عبارت از پروژه های است که مردم یک منطقه خاص از مستفید شوندگان اساسی آن میباشد.

با در نظر داشت تقسیم بندی فوق الذکر، از جمله ۱۳۱ پروژه که در اولویت اول قرار گرفته اند، به تعداد

با آنکه تعداد بیشتری از ادارات نظر به سال گذشته علاقمند پیشنهاد پروژه جدید نبوده اند، اما با در نظر داشت قیمت مجموعی پروژه ها میتوان گفت که ادارات خواهان سرمایهگذاری ۳۷۸ مرتبه بیشتر نظر به سرمایهگذاری سال ۱۳۹۴ هستند. اگر در ادارات الی ختم سال ۱۳۹۴ همانند سال ۱۳۹۳ بتوانند ۵۰% بودجه شانرا به مصرف برسانند، مبلغ ۱,۳ میلیارد دالر منجیت بودجه انتقالی برای سال ۱۳۹۵ انتقال خواهد نمود که با اضافه ۵۶۶,۹ میلیون دالر بودجه جدید، مجموع بودجه تخمینی سال ۱۳۹۵ بالغ به ۱,۹ میلیارد دالر میگردد که این نمایانگر ۳۰% کاهش در مجموع بودجه انکشافی سال ۱۳۹۵ نظر به سال ۱۳۹۴ می باشد.

ولسی در صورتیکه وزارت مالیه همانند سال ۱۳۹۴ صرف قادر به

۲۰ پروژه آن از جمله پروژه های ملی و به تعداد ۱۱۱ پروژه آن شامل پروژه های محلی (پروژه های که مربوط به یک یا چند ولایت خاص میگردد) میباشد. قیمت مجموعی پروژه های ملی بالغ به ۱۲۹۰,۷ میلیون دالر و قیمت مجموعی پروژه های محلی بالغ به ۹۰۳,۵ میلیون دالر میگردد.



و همچنان پروژه های پیشنهادی بعضی از وزارت ها حالت برنامه را داشته و این برنامه ها شامل چند فعالیت و پروژه فرعی می شوند که در مجموع به تفکیک ولایات انعکاس داده نشده است. در صورت علاوه نمودن سرمایه گذاری پروژه های متذکره حجم سرمایه گذاری اکثر ولایات، بلخصوص ولایات کم انکشاف یافته بالا می رود. به عنوان مثال، میتوان از برنامه های وزارت های محترم معارف، انکشاف دهات و وزارت زراعت و مالداري نام برد.

جدول ذیل سرمایگذاری پروژه های محلی را به تفکیک ولایات نشان میدهد:

در بر دارد. با در نظر داشت ۲۹ ولایت دیگر که در جایگاه ششم الی سی و چهارم جدول قرار گرفته شده میتوان دریافت که اوسط بودجه تمامی ولایات ۵,۹ میلیون دالر بوده که تفاوت میان ولایت که بیشترین و ولایت که کمترین بودجه را بدست آورده است با اوسط بودجه ولایات بین ۸,۷+ و ۵,۲- میلیون دالر میباشد. این موضوع بیان میدارد که انکشاف متوازن ولایتی در بودجه سال ۱۳۹۵ به خوبی در نظر گرفته شده است.

قابل ذکر است که تعدادی از پروژه های شامل پروگرام SDP (پروژه های انکشافی کوچک) که از مدرک کمک صد میلیون دالری کشور هندوستان تمویل می گردند

با توجه به تقسیمات ولایتی بودجه محلی اولویت اول میتوان مشاهده نمود که تمامی ولایات سهم خود را در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۵ دارا بوده که ولایات کابل، کندهار، هرات، ننگرهار و بلخ بنا بر سطح نفوس، مساحت، موقعیت جغرافیایی، نیازمندی به پروژه و سایر فکتورهای اقتصاد اجتماعی بیشترین سهم پولی و ولایات نورستان، پنجشیر، سرپل، دایکندی و نیمروز با در نظر داشت فکتورهای ذکر شده کمترین سهم را دارا میباشد.

دلیل عمده دیگر سهم بالای پنج ولایت ذکر شده اینست که از یکطرف مرکز زون ها بوده و از طرف دیگر نفوس زیادی را

شماره	اسم ولایت	مبالغ مجموعی	شماره	اسم ولایت	مبالغ مجموعی
۱	کابل	۳۴۲,۳	۱۸	کندز	۵,۹
۲	کندهار	۲۹۴,۵	۱۹	بامیان	۵,۵
۳	هرات	۴۲,۰	۲۰	زابل	۴,۷
۴	ننگرهار	۲۷,۹	۲۱	ارزگان	۴,۳
۵	بلخ	۲۵,۳	۲۲	فراه	۴,۳
۶	خوست	۱۴,۶	۲۳	لغمان	۴,۲
۷	بدخشان	۱۳,۵	۲۴	پروان	۳,۹
۸	هلمند	۱۲,۰	۲۵	غور	۳,۷
۹	پکتیا	۱۰,۴	۲۶	بغلان	۳,۷
۱۰	فاریاب	۹,۳	۲۷	تخار	۳,۶
۱۱	کاپیسا	۹,۱	۲۸	سمنگان	۳,۴
۱۲	وردک	۸,۴	۲۹	غزنی	۳,۲
۱۳	پکتیکا	۸,۱	۳۰	نیمروز	۳,۱
۱۴	بادغیس	۷,۶	۳۱	دایکندی	۲,۳
۱۵	کنر	۷,۱	۳۲	سرپل	۱,۵
۱۶	جوزجان	۶,۸	۳۳	پنجشیر	۰,۷
۱۷	لوگر	۶,۲	۳۴	نورستان	۰,۷

## دلایل عمده رد پروژه ها

پروژه‌هایی که نتوانستند مورد تأیید وزارت اقتصاد قرار گیرند در حقیقت پروژه‌هایست که در دو مرحله ارزیابی رد گردیده‌اند. دلیل رد پروژه‌ها در مرحله اول (ارزیابی کانسپت نوت پروژه‌ها) همانا عدم تکمیل نمودن نمرات معیاری کانسپت نوت پروژه‌ها بود. پروژه‌های رد شده در این مرحله نتوانستند که حداقل ۵۰٪ نمرات معیاری را تکمیل نمایند که همین سبب گردید تا پروژه‌ها مورد قبول قرار نگیرند. در مرحله دوم ارزیابی پروژه‌ها (مذاکرت بودجوی) دلایل مختلف سبب رد پروژه‌ها گردیدند. عمده‌ترین دلایل رد در این مرحله عدم داشتن ماهیت انکشافی و موثریت اقتصادی پروژه‌ها بوده است. در این مرحله بعد از بحث‌های همه‌جانبه روی پروژه‌ها، پروژه‌هایی که نتوانستند قناعت اعضاء مجلس را فراهم سازند مورد تأیید قرار نرفتند. یک تعداد از این پروژه‌ها با آنکه کانسپت خوب داشتند، اما نظر به ساختار بودجوی افغانستان نمیتوانند که از طریق بودجه انکشافی تمویل گردند و میتوانند از طریق بودجه عادی پیشنهاد گردند از لست پروژه‌های انکشافی حذف گردیدند. و اما بعضی از پروژه‌هایی که ماهیت انکشافی داشتند ولی وضعیت فعلی کشور ایجاب تطبیق آنها نمیکند و یا هم ضرورت جدی برای آن دیده نمیشود همچنان رد گردیدند. بگونه مثال پروژه تحقیق گیاهان مضره که یک پروژه خوب بوده و کانسپت آن مورد تأیید قرار گرفت اما نسبت اینکه تمام مصارف آن از کودهای ۲۱، ۲۲ و ۲۵ بودجه عادی تمویل میگردد بناءً شامل بودجه انکشافی

نگردیده و این پروژه مورد تأیید قرار نگرفت. از اداره پیشنهاد کننده پروژه درخواست گردید تا مصارف این پروژه را شامل بودجه عادی نمایند.

تحلیل خطرات و چالش‌ها فراراه  
تطبیق پروژه‌ها

با در نظرداشت توضیحات و محتویات کانسپت نوت پروژه‌ها، یک سلسله خطرات فراراه تطبیق پروژه‌ها پیشبینی گردیده است که سبب تاخیر، توقف و یا عدم تطبیق پروژه گردیده میتواند. بارزترین خطرات پیشبینی شده به ترتیب شامل ناامنی، عدم اجرای تخصیصات به موقع توسط وزارت مالیه، حوادث طبیعی، مشکل زمین برای احداث پروژه‌های ساختمانی و کمبود آب و برق می باشد. اگرچه ناامنی از جمله خطرات جدی فراروی تطبیق پروژه‌ها در سال‌های گذشته تشخیص داده شده بود، سال آینده نیز این خطر از جمله چالش‌های عمده تذکر داده شده و امکان دارد که نسبت به سال‌های گذشته شدیدتر هم باشد. اگرچه سایر خطرات فوق‌الذکر از جمله خطرات نه چندان جدی اند، اما به طور کل باید خطرات فهرست شده را بسیار جدی گرفت و در تمام دوره تطبیق، نظارت و ارزیابی مد نظر داشت.

## خلاصه و پیشنهادات

وزارت اقتصادی متکی بر وظایف خویش، همانند سال‌های گذشته، پروژه‌های سال ۱۳۹۵ تمامی واحدهای بودجوی را جمع‌آوری، تحلیل، ارزیابی و اولویت بندی نمود. از جمله ۵۱۶ پروژه پیشنهادی توسط ادارات به تعداد ۲۶۱ پروژه مورد تأیید و ۲۵۵ دیگر آن در دو مرحله ارزیابی

رد گردیدند. پروژه‌های تأیید شده به سه کتکوری اول، دوم و سوم تقسیم گردیده که صرف اولویت اول آن جهت شمولیت در بودجه سال ۱۳۹۵ به وزارت مالیه ارائه گردیده و اولویت‌های دوم و سوم برای سال‌های بعدی موکول گردید. از مجموع ۲۶۱ پروژه تأیید شده به تعداد ۱۳۱ آن در اولویت اول، ۱۱۶ آن در اولویت دوم و ۱۴ آن در اولویت سوم قرار گرفته‌اند.

مجموع بودجه که برای تطبیق پروژه‌ها درخواست شده است بالغ به ۴٫۶ میلیارد دالر بوده که ۲٫۲ میلیارد آن برای پروژه‌های اولویت اول اختصاص یافته است. از مجموع ۲٫۲ میلیارد دالر برای تطبیق پروژه‌های اولویت اول، مبلغ ۵۶۶٫۹ میلیون آن برای سال‌های بعدی پیشنهاد گردیده است. در این تقسیم بندی توازن ولایتی مدنظر گرفته شده و با در نظر داشت نفوس، مساحت و اوضاع ولایات، تقسیم بندی ولایتی صورت گرفته است.

یک سلسله مشکلات فراراه تطبیق پروژه‌ها پیشبینی شده است که جهت تطبیق به موقع پروژه‌ها و عرضه خدمات درست باید جهت حل این معضلات اقدام جدی صورت گیرد. از جمله مشکلات فراراه پروژه‌ها میتوان به ناامنی و عدم اجرای به موقع تخصیصات پولی توسط دونه‌ها و وزارت مالیه اشاره نمود. جهت حل مشکلات فوق‌الذکر پیشنهاد میگردد تا تعهدات کتبی از دونه‌ها گرفته شده و مشخصات پروژه‌ها قبل از تطبیق آن با ارگانها امنیتی در میان گذاشته شود تا از بروز مشکلات و معضلات جلوگیری بعمل آید.

# په هیواد کې د سوداګرۍ د کچې

## راټیټېدل

## او بدې پایلې یې



هم لري چې د خپلو ملي صنايعو د تثبيت او بازار موندنې لپاره له متشبثينو سره مرسته هم وکړي او ان تردې چې کله کله د هغو بهرنيو وارداتي سوداګري اقلامو د کنټرولولو لپاره د ګمرکي تعرفو وضع کولو مسووليت هم لري چې ورته اقلام په هيواد کې دننه توليديري، خو ملي صنايع په پښو ودريري او که وکولای شي سبسېدي هم په ځان ومني.

مګر د افغانستان دولت نه دا چې د برېښنا نه شتون لامله د صنايعو وضع خرابه کړيده؛ بلکه د ځمکو په ورکولو کې يې هم د سوداګرو رضایت ندی ترلاسه کړی، چې له همدې امله زمونږ ملي سوداګر سوداګری او صنايعو لګولو ته زړه نه ښه کوي. او له بلې خوا ددې سره سره چې په بانکونو کې مو ۳،۷ مليارده پانګه پرته ده، يواځې اوه سوه مليونه يې سوداګرو ته د پور په توګه ورکړل شوي دي، چې د هغې عمده لامل هم د امنیت نه شتون او د سوداګرو

ترسره شوه او عملاً يې د نوي ګډ حکومت په واکمنۍ کې د يوولسو مياشتو په تيريدو سره د تيرو دريو مياشتو په اړه دغه سروی ترسره کړيده؛ چې د پنځو مهمو ټکو په اړه پکې له سترو او منځنيو سوداګرو متشبثينو څخه پوښتنې شويدي؛ چې هغه د امنیت، ځمکې واک کې ورکولو، د دولت لخوا مالي ملاتړ لرلو، د دولتي مامورينو لخوا د همکارۍ او اداري فساد په اړه پوښتنې دي.

د سروی له مخې له ټولو سترو عامل، د متشبثينو لخوا د سوداګرۍ د کچې د ټيټيدو لپاره د امنیت نه شتون ښودلی شويدي؛ ځکه ۵۳ سلنه سوداګرو دغه ټکی جوت کړيدي او همدرانګه ورپسې نور ټکي دي.

حقيقت دادی چې د بازار اقتصاد له مخې چې له خصوصي سکتور سره دولت د يو خلاق رقيب په توګه ونډه اخلي، خو ولس د خصوصي سکتور د متشبثينو لخوا د انحصاري مارکيټ له بدو آغيزو څخه وساتي، دولت دا دننه

تیسره ورځ د سوداګرۍ او د صنايعو خونې لخوا په دوه وو کلونو موده کې ترسره شوې سروی له مخې جوت شوه، چې په هيواد کې دننه دغه کچه له يو ديرش سلنې څخه دوه سلنې ته راټيټه شويده. د سوداګرۍ او صنايعو خونه چې د ۲۰۰۳ ميلادي کال راهيسې د دولت له هغه کنټرول څخه آزاده ګرځول شوې ده چې د کمونستانو د واکمنۍ له دورې راهيسې عملاً يو دولتي ارګان ګرځيدلی وو؛ ځکه د سوداګرۍ وزير به ددغه خونې رئيس وو، خو د بن د توافقاتو وروسته راغلی نظام کې په هيواد کې د بازار اقتصاد په پلې کيدو سره، دغه ارګان د خصوصي سکتورونو د سوداګرۍ يو تنظيموونکی فعال ارګان ګرځيدلی، چې په سر کې د سوداګرۍ او صنايعو خونې سره جلا وي او اوس له لسو کلونو راهيسې سره يو ځای شوې دي او پدې موده کې هر کال يو ځل دا ډول سروی ترسره کوي، خو د ستونزو لامله د دوه وو کلونو موده کې



سوداگرۍ او صنعت ته په ډاډه زړه نه رادانگل دي؛ چې له همدې امله اوس له هيواد څخه غټ سوداگر ورځ تر بلې وځي او خپلې پانگې نورو هيوادونو ته انتقالوي.

د پانگو انتقالولو کچه خو له دوه وو کلونو راهيسې ورځ تر بلې په ډيريدو شوې وه؛ ځکه په ملي سوداگرو باندې د بريدونو له امله (لکه چې څو مياشتې وړاندې په حبيب گلزار نومي ستر سوداگر باندې بريد ترسره شو) ډير ملي سوداگر په هيواد کې سوداگرۍ ته زړه نه بڼه کوي او ورځ تر بلې په هيواد کې د سوداگرۍ وضع خرابيږي، چې همدغه حقيقت څو ورځې وړاندې د آيسا نوي رئيس (حقبجو) هم په يو مطبوعاتي کنفرانس کې په گوته کړ او ويې ويل چې د يرش برابرې د سوداگرۍ کچه راتپه شويده او حقيقت کې همدا هغه عامل وو چې دولت څو مياشتې وړاندې په کمو پانگه اچوونکو او دوکاندارانو هم د ټيکس کچه لس برابرې زياته کړيوه؛ ځکه دولت د خپلو لگښتونو د پوره کولو لپاره عايداتو ته اړتيا لري او چې غټ سوداگر د نه امنيت يا بريښنا او ملي ملاتړ نه شتون لامله له هيواد څخه وځي نو زور يې له کمو پانگه اچوونکو او دوکاندارانو څخه وځي، چې دا کار په خپل وار سره نور هم اداري فساد ته مخه پرانيزي؛ ځکه يو

دوکاندار او شرکت چې پخوا پرې وضع شوی ټيکس نه شي ورکولی، اوس به لس برابرې څنګه ورکړي؟ له همدې امله په هيواد کې د سوداگرۍ او صنايو وضع ورځ تر بلې خرابيږي، چې د هغې يو ثبوت په هرات او ننگرهار کې د صنعتي پارکونو تش په نامه شتون دی او د بازار د اقتصاد لامله چې هيڅ کله ملي توليد (چې معمولاً نوی اوسي او د توليد کچه يې هم ټيټه وي) نشي کولای د وارداتي اقلامو مخه ونيسي او هيواد په کور دننه د صنايعو په برخه کې په خپلو پښو ودريري، چې په پايله کې به يې افغانستان د بهرنيو توليداتو لپاره يوازې د بازار موندنې يو مرکز اوسي او بس.

د ترسره شوې نوې سروې د نتيجې په توګه، له ټولو بده پايله په وروستۍ مياشت کې د افغانۍ د ارزښت راتپيدل دي، چې د تيرې چهارشنبې په ورځ يې نږدې يوه روپۍ ښکته کيدل ومونده او د يو ډالر په بدل کې په ۶۲،۲۰ باندې بدله شوه. د نوي ګډ حکومت په راتګ سره انتظار کيده چې ښايې د اقتصادپوه ولسمشر په راتګ سره به وضع بڼه شي؛ ځکه نوموړی يو مليون وګړو ته د کار پيدا کولو او اقتصادي اصلاحاتو په نظر کې نيولو سره ولس ته ډاډ ورکړی وو او له همدې امله ورته ولس رايه ورکړه، خو له بده مرغه چې د نوي ګډ حکومت په راتګ سره زمونږ نږدې يو

مليون نور وګړي هم له کار څخه ګوښه کړاي شو، ددې پر ځاي چې نوي يو مليون وګړي په کار وګمارل شي.

که په هيواد کې د سوداگرو له هيواد څخه د پانگې ويستلو او کار نه موندلو دغه لړۍ همداسې روانه اوسي او له بلې خوا د امنيت وضع هم ورځ تر بلې د خرابيدو په لور روانه اوسي؛ ځکه د طالبانو نوي مشر د سولې هڅې هم رد کړې، نو ښايې پاتې سوداگر هم له هيواد څخه ووځي او دولت نور خپل لگښتونه پوره نکړاي شي او ښايې ډير ژر دې ته اړ شي چې د انکشافی بوديجې په عامه بوديجه ګرځولو لاس پورې کړي او د (بخور نيمر) اقتصادي سياست چې د صنعتي اقتصاد مخالف (سنتي اقتصاد) ځانګړنه ده، پيل کړي.

نو ځکه دولت ته پکار ده چې په بانکونو کې له موجودو مبالغو څخه سوداگرو ته په پورونو ورکولو او هم مالي ملاتړ ورکولو سره د خصوصي سکتور د متشبثينو د تينستې مخه ونيسي او هم د مالي فساد په وړاندې، د جدي اقداماتو په ترسره کولو او د مخاليفينو سره د سولې په لورې د لازمو هڅو او پدې لړ کې د لازمو اقداماتو په ترسره کولو سره، افغان ولس ته امنيت ور په برخه کړي؛ ځکه که دولت ولس ته امنيت ورپه برخه نکړاي شي، و



بیا دغه دولت له یوې خوا خپل مشروعیت له لاسه ورکوي او له بلې خوا د اقتصادي ودې په وړاندې له ټولستر خنډ په زیاتیدو سره د کار موندنې او پانګې اچولو لړۍ هم په تپه ودریږي. چې بیا به یې مثال د طالبانو له واکمنۍ څخه څو برابره بد اوسي؛ ځکه طالبانو خو امنیت ټینګ کړی وو او دغه نظام به د امنیت او اقتصادي ثبات دواړو څخه خالي اوسي؛ ځکه همدا اوس هم د غذايي او نورو اړتیا وړ توکو په بیو کې د افغانۍ د ارزښت د کمیدو لامله ستر بدلون راغلی دی، چې دغه کار به نور ولس د سر تاسري پاڅون په پوله ودروي؛ ځکه له یوې خوا د ټیکسونو لوړولو د خصوصي سکتورو متشبثین په غوسه کړي دي او له بلې خوا عام وګړي د نرخونو له لوړوالي څخه سروته ټکوي. نو ځکه اړینه ده چې د ملي حکومت په نامه ګډ حکومت د خپلو هوا خواهانو د پاللو پر ځای، په کار پوه او با دیاتنه خلک په دندو وګماری، څو سوری کښتی تر ساحله ورسوي او پدې ترتیب د فساد مخه ونیسي.





## گزارش مختصر از چگونگی تطبیق پروژه های انکشافی وزارت ها و ادارات طی شش ماه اول سال مالی ۱۳۹۴



### سرمایه گزاری فوق به تفکیک

سکتورهای اقتصادی قرار ذیل میباشد :

- سکتور امنیت مبلغ (۱۸,۷) میلیون دالر یا (۰,۷) فیصد
- سکتور حکومت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر مبلغ (۵۵,۸) میلیون دالر یا (۲,۱) فیصد
- سکتور زیربنا و منابع طبیعی مبلغ (۱۱۱۵,۰۵۹) میلیون دالر یا (۴۱,۶) فیصد
- سکتور معارف مبلغ (۳۵۴,۰۰۱) میلیون دالر یا (۱۳,۲) فیصد
- سکتور صحت مبلغ (۲۷۱,۶) میلیون دالر یا (۱۰,۱) فیصد
- سکتور زراعت و انکشاف دهات مبلغ (۶۹۵,۴) میلیون دالر یا (۲۵,۹) فیصد
- سکتور مصئونیت اجتماعی مبلغ (۲۱,۹) میلیون دالر یا (۰,۸) فیصد
- سکتور اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی مبلغ (۱۴۵,۵) میلیون دالر یا (۵,۴) فیصد

بنا بر تقسیم بندی فوق، سکتور زیر بنا و منابع طبیعی بلند ترین مبلغ را که (۴۱,۶) فیصد از مجموع بودجه انکشافی را میرساند در بودجه انکشافی منظوری داشته و سکتور زراعت و انکشاف دهات با (۲۵,۹) فیصد منظوری در بودجه، بعد از

با درنظرداشت مقررہ تنظیم اجراءات و فعالیت های وزارت اقتصاد، نظارت و ارزیابی از چگونگی تطبیق برنامه ها و پروژه های انکشافی منظور شده، کلیه واحد های بودجوی و ترتیب گزارش ربعوار و سالانه از جریان تطبیق آنها از جمله وظایف این وزارت میباشد. بخاطر انجام ماموریت فوق و تطبیق به موقع پروژه های انکشافی ایجاب می نماید، تا کلیه واحد های بودجوی وزارت اقتصاد از طریق نظارت منظم از جریان کاری پروژه های انکشافی مساعی خسته گی ناپذیر بخرج دهند، تا روال تطبیق پروژه ها مطابق پیش بینی ها انجام یابد. موجودیت یک سلسله مشکلات طی موعده گزارش دهی که در گزارش به آن اشاره شده، سبب گردیده این روال به کندی پیش برود. گزارش هذا که در برگیرنده راپور پیشرفت و مصارف انجام شده پروژه های انکشافی طی شش ماه اول سال ۱۳۹۴ میباشد در موجودیت شرایط متذکره در همکاری وزارت ها و ادارات تطبیق کننده، تهیه و ترتیب گردیده است. این گزارش ممکن دارای کاستی و کمی ها باشد. متوقع استیم با ارائه نظریات سودمند و سازنده ادارات تطبیق کننده پروژه ها به غنای هرچه بیشتر آن افزوده شود.

### مختصر گزارش قرار ذیل ارایه میشود.

بودجه انکشافی سال مالی ۱۳۹۴ به سرجمع مبلغ (۲,۶۷) میلیارد دالر "شامل (۵۰۳,۶۵۴) میلیون دالر بودجه اختیاری و (۲,۱۷۵) میلیارد دالر بودجه غیراختیاری" ترتیب و به صورت کل در ۶۰۱ پروژه که از جمله ۶۰۰ انتقالی و یک پروژه آن، جدید میباشد، سرمایه گذاری شده است.



بتواند تحلیل های همه جانبه را از چگونگی تطبیق پروژه انکشافی و مصرف بودجه انکشافی در بخش هر سکتور و در سطح کشور تهیه و به مقامات ذیصلاح به وقت و زمان آن ارائه نماید.

### نتیجه:

نظر به توضیحات فوق و گزارش های واصله از ادارات سکتوری از مجموع (۶۰۱) پروژه شامل بودجه انکشافی، پلان (۱۰) پروژه تکمیل، (۲۸۱) پروژه در جریان، و تخصیص (۱۵۲) پروژه نسبت عدم تعهد و مشکلات ادارات مالک پروژهها با دونهها، طولانی بودن پروسه تدارکات و موجودیت روش های متفاوت تدارکاتی و عدم تهیه و ترتیب مکمل نقشه ها اجرا نگردیده و کار (۲۴) پروژه نسبت کمبود پول فزیکتی، عدم تأدیه اقساط پروژه ها به قرار دادی و مشکلات امنیتی، متوقف بوده که اکثر پروژه های فوق شامل بودجه اختیاری دولت بوده صرف تعداد کمی از این پروژه ها شامل بودجه غیر اختیاری می باشد. بنا بر عدم تعهد دونهها و یا این که پروژه تحت ارزیابی آنها قرار دار، تخصیص شان معطل قرارداده شده است. همچنان (۱۳۴) پروژه انکشافی مربوط ادارات (ریاست کنترل و تفتیش، اداره هوانوردی ملکی، کمیته ملی المپیک، وزارت معارف، دفتر شورای اقتصادی، اداره امور و ریاست جمهوری، ولسی جرگه، اداره مستقل اراضی افغانستان، مسفء) گزارش شان را ارائه نداشته اند.

باید گفت: طی شش ماه سال مالی ۱۳۹۴ از مجموع بودجه منظور شده انکشافی (۲۰) فیصد آن به مصرف رسیده در حالیکه در طی شش ماه سال گذشته این مصرف (۲۵) فیصد بوده که کاهش

سکتور زیر بناء قرار دارد. از این که افغانستان برای رشد اقتصادی و کاهش فقر در شرایط فعلی ضرورت دارد. بناء این سرمایه گذاری در انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور نقش مهم داشته، زمینه های استخدام را فراهم نموده و باعث فقر زدای در کشور می گردد. با درنظرداشت گزارش های واصله از وزارت ها و ادارات سکتوری طی شش ماه اول سال مالی ۱۳۹۴ از مجموع بودجه انکشافی مبلغ (۵۵۰,۴) میلیون دالر یا تقریباً (۲۰,۵) فیصد در پروژه های انکشافی وزارت ها و ادارات به مصرف رسیده که تفصیل آن در جدول ذیل ارائه می گردد:

بر اساس توضیح فوق سکتورهای امنیت، صحت و زراعت و انکشاف دهات توانستند، تقریباً (۲۶) فیصد از مجموع بودجه انکشافی منظور شده خود را به مصرف برسانند. اما بر عکس سکتورهای معارف، مصونیت اجتماعی و اداره اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی کمترین مصرف را با در نظرداشت مجموع بودجه انکشافی منظور شده، دارند که نشان دهنده کاهش در مصرف بودجه و عملی نه نمودن پروژهها بوده و قابل غور و توجه می باشد. با ملاحظه جدول فوق بلندترین فیصدی مصرف را ریاست مبارزه با حوادث (۸۹) فیصد، مشرانو جرگه (۷۸) فیصد و اداره جیودیزی و کارتو گرافی (۵۷) فیصد دارا بوده و علت آن این است که ادارات یاد شده صرف یک یا دو پروژه در بودجه انکشاف ملی منظوری دارند. درحالی که فیصدی مصارف وزارت های اموداخله، تجارت و صنایع و حج و اوقاف با در نظرداشت این که تعداد زیاد پروژههای انکشافی در بودجه ملی منظوری دارند. از نظر حجم مصارف نیز جایگاه بلند را حایز میباشند که اجراءات شان قابل تقدیر است. از طرف دیگر وزارت های معادن و پترولیم، وزارت زراعت و مالداری، وزارت انرژی و آب و زرات احیاء و انکشاف دهات کمترین مصرف را دارند که ارقام فوق تطبیق به موقع پروژه های انکشافی و تحقق مصرف قناعت بخش را ارائه می دارد. بناء اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، اداره مربوطه نمی تواند پروژه های منظور شده خویش را به وقت و زمان معینه آن تکمیل و به بهره برداری بسپارند. لازم به تذکر است، به تعداد ۵ واحد بودجوی که دارای ۱۸ پروژه می باشد، گزارش پروژه های انکشافی شش ماه اول سال مالی ۱۳۹۴ را به وزارت اقتصاد ارائه نداشته اند. قابل یاد آوری میدانیم، اگر ادارات فوق الذکر گزارش های پروژه های انکشافی خود را ارائه می داشتند، فیصدی مصارف شش ماه اول به (۲۲) فیصد ارتقاء می یافت. بناء توقع برده میشود که ادارات فوق الذکر منحث ادارات شامل بودجه انکشافی، گزارش های چگونگی تطبیق پروژه های انکشافی مربوطه خویش را در ربع های بعدی به وقت و زمان آن به وزارت اقتصاد ارائه بدارند و این وزارت

## راه حل ها

به منظور رفع مشکلات یاد شده نکات ذیل پیشنهاد می گردد:

- ایجاب می نماید که امنیت پروژه های انکشافی که در ساحات نا امن قراردارند توسط وزارت امورداخله تأمین گردد.

- وزارت مالیه بایست به خاطر استفاده مناسب و به موقع وجوه غیراختیاری که در بودجه انکشافی انعکاس می یابد، تعهد کتبی دونران را بگیرد و هکذا وزارت امور خارجه از مجاری دیپلماتیک توجه دونران را در زمینه پرداخت به موقع وجوه مالی یاد شده، معطوف دارد.

- منظوری بودجه انکشافی به وقت معین آن و برقراری موازنه میان بودجه انکشافی اختیاری و غیر اختیاری تأمین گردد.

- تطبیق کار پروژه های ملی به هیچ وجه به خاطر استملاک زمین معطل قرارداد نه شود و همزمان با آغاز کار پروژه ها کار استملاک زمین نیز آغاز گردد.

- اداره آیسا منیجمنت اداره مسئول باید در همکاری با ادارات ذیربط با وضع مقررات، نورم و معیارها ظرفیت شرکت های ساختمانی را تثبیت و آنها را عندالضرورت به ادارات متقاضی معرفی نماید.

- وزارت ها و ادارات باید پروژه ها را بدون تکمیل اسناد تخنیک و پروژه سازی در پیشنهادات خویش انعکاس ندهند و در ضمن وزارت اقتصاد همچو پروژه ها را اولویت بندی نه نماید.

- به ریاست های پلان و پالیسی وزارت ها و ادارات سکتوری در امور انکشافی صلاحیت بیشتر داده شود، تا در هماهنگی با سایر ریاست های ذیربط کار پروژه ها و موضوعات انکشافی را به پیش ببرند.

- به منظور تطبیق به موقع و با کیفیت پروژه های انکشافی سیستم مکافات و مجازات در ادارات دولتی تطبیق گردد.

قابل ملاحظه می را در مصرف بودجه انکشافی نشان می دهد و این وضعیت قابل دقت و بررسی میباشد. به همین ترتیب طی مدت مشابه سال گذشته ۲۴ پروژه تکمیل شده که این رقم در مقایسه با شش ماه اول سال جاری با عین ابعاد تخنیک و مالی مشابه کاهش جدی را در پیشرفت و تطبیق پروژه ها و برنامه های انکشافی حکومت نشان میدهد.

### دلایل عدم مصرف بودجه مطابق پلان قرار ذیل ارائه می گردد

عوامل و مشکلات ذیل در عدم تحقق صد در صد بودجه تأثیر گذار بوده است:

- نبود امنیت در ساحه کاری اکثر پروژه های انکشافی.
- عدم پرداخت اقساط مصارف پروژه ها به قراردادیان از جانب وزارت ها و ادارات ذیربط به وقت و زمان آن.
- بطی بودن اجرای حواله ها در وزارت مالیه.
- روش های گوناگون پروسه اداری مالی و تدارکاتی منابع تمویل کننده.
- کمبود متخصص مالی و حساسی در اکثر ولایات.
- عدم ایفای تعهدات بعضی از دونرها در راستای تمویل پروژه های انکشافی.
- مشکلات تدارکاتی و تکمیل پروسه تدارکات.
- عدم تهیه و ترتیب مکمل نقشه ها (از جانب مراجع ذیربط).
- کمبود انجینران با تجربه در بخش های سروی تخنیک و دیزاین پروژه ها.
- مشکلات وزارت ها و ادارات (مالک پروژه ها) با دونرها در پروژه هایی که از بودجه خارجی و یا بودجه غیر اختیاری تمویل می گردند.
- ارائه اسناد جعلی و نادرست از جانب شرکت های قراردادی در پروسه داوطلبی - بیشتر شرکت های قراردادی در زمان پروسه داوطلبی، عدم ارائه اسناد قرارداد پروژه ها از نظرتخنیک به صورت درست
- بعد از عقد قرارداد ثابت گردیده است که ظرفیت کاری برخی شرکت ها به مراتب پایین تر از اسناد و مدارک ارائه شده بوده است و این امر موجب شده تا پروژه به وقت و زمان آن تکمیل نگردد.
- نبود انجنیر مراقبت کننده از جریان کار پروژه ها.
- عدم ارائه به موقع اسناد ضروری پروژه ها از جانب ادارات مرکزی به ادارات ذیربط در ولایات.
- مداخله بیش از حد ارگان های تفتیش (حرنوالان)، مقامات بلند پایه (والیان و وکلا).
- تاخیر در منظوری بودجه انکشافی پروژه های انتقالی و جدید و موجودیت سیستم بودجه دوگانه.
- سپردن قراردادهای پروژه ها به شرکت های دومی و سومی.

سلطان احمد پوپل

۱- ماهیت و مفهوم تجارت بین الملل:

حقیقت تجارت بین الملل همانا روابط تجارتي یعنی صادرات و واردات، کالا و خدمات بین کشورهای مختلف دنیا میباشد. یا به عبارۀ دیگر خرید فروش کالا و خدمات بین کشورهای جهان میباشد. چون هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که تمام نیازمندی‌ها و خواسته‌های مجموعی مردم و جامعه خویش را از هر حیث تأمین کند. بناءً مستلزم آن است که بخاطر رفع نیازمندی‌های جامعه بین کشورهای مختلف جهان رابطه برقرار کند. امروز تجارت بین المللی شکل خیلی‌ها پیشرفته را به خود گرفته و سهولت‌ها را ایجاد کرده که این پیشرفت تکنالوژیکی سرعت اثرات را در قیمت، عرضه و تقاضا کالاها در سطح بازارهای بین المللی گذاشته است.

طور مثال اگر قیمت یک بشکه نفت در بازار نفت عربستان و یا کشورهای عضو صادرکننده نفت (اوپک) بلند برود ذریعۀ وسایل اطلاع رسانی به تمام نقاط جهان تاثیرات خود را میگذارد که این خود نمونۀ پیشرفت در سرعت عمل تجارت در جهان امروزی میباشد.

۲- تعریف تجارت بین کشورها:

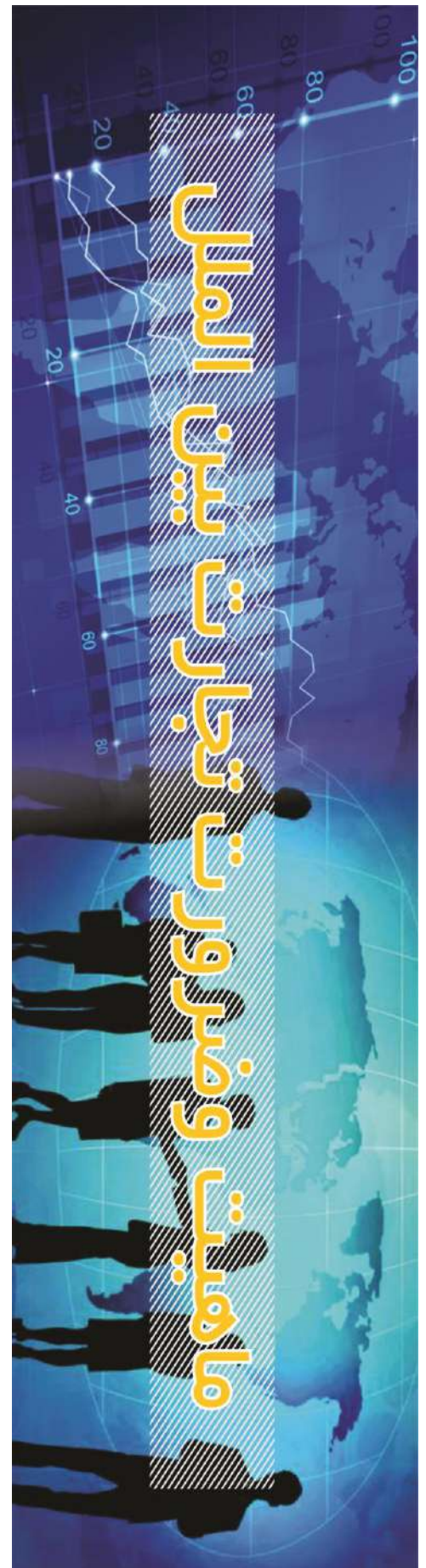
تجارت و روابط تجارتي بین کشور های جهان، از زمان های قدیم وجود داشته، افراد و اشخاص به خاطر کسب مفاد و رفع نیازمندی‌های جامعه، به این شغل می پرداختند. تاجران در آن زمان امتعه و

اجناس را از چین به ماورانه‌ر و بغداد انتقال میدادند و از بغداد و ماورانه‌ر به چین صادر میکردند. پس به این نتیجه میرسیم که تعریف تجارت بین کشورها عبارت از خرید و فروش کالا و خدمات در سطح کشورها میباشد. ممکن است تجارت دولتی یا خصوصی باشد که این عمل عمدتاً بین خریدار در یک کشور و فروشنده در کشور دیگر مطابق به اساس نامه و میثاق‌های تجارت بین المللی و حقوق تجارت داخلی کشورها صورت می‌گیرد. مثلاً یک تاجرافغانی میخواهد از چین اموال وارد کند درین صورت هر دو طرف معامله مجبور هستند از قانون نامۀ تجارت بین المللی و قانون تجارت داخلی استفاده کنند. منظور این است که قانونیت و مراعات مصوبه‌های قانونی ملی و بین المللی حتمی شمرده میشود.

**ضرورت تجارت بین المللی و اهمیت آن در اقتصاد کشورها:**

در بحث ماهیت و مفهوم تجارت بین المللی دانستیم که هیچ کشوری در جهان به تنهایی نمی‌تواند، تمام نیازمندی‌های مجموعی خود را خود تأمین نماید. بناءً ضرورت پنداشته می‌شود که کشورها بایک دیگر به تجارت بپردازند. چون نیازمندی‌های انسان‌ها هم‌سان با تغییرات تکنالوژیکی در حال تغییر و تحول است. یعنی هر قدر پیشرفت در سطح تکنالوژی بوجود آید، به همان قدر انسان‌ها سویه و معیار زندگی خویش را متناسب با پیشرفت آن آماده می‌سازند.

به عقیدۀ روان‌شناسان (توقع و نیازمندی‌های انسان‌ها لایتناهی و در حال تغییر و تحول است) ولی برعکس





مواد مورد ضرورت و امتعه واجناس محدود است. به همین مناسبت انسان پرتلاش همیشه سعی بر آن دارد تا نیازمندی‌ها و خواسته‌های خویش را تا حد ممکن مرفوع بسازد. یعنی بیشتر سعی میکند تا مشکلات که سد راه پیشرفت اقتصادی قرارداد و یا قرار می‌گیرد شناسایی و در حل آن برآید.

البته ضرورت تجارت بین‌المللی یک اصل مهم عصرماست. کشورها نظر به محدودیت‌های طبیعی مجبور هستند که بریک دیگر رابطه برقرار کنند و به تبادل اشیا و کالا، خدمات و عوامل تولید مبادرت ورزند. زیرا هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که بدون روابط اقتصادی و تجاری بسر برند هر کشور به اندازه وسط خویش در دهکده جهان امروزی در فعالیت‌های تجاری مصروف است و ازین طریق برای جامعه خویش فعالیت مینماید در کل تجارت بین‌المللی در عرضه انکشاف اقتصادی خیلی‌ها مهم بوده هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که در انزوا تجاری قرارداده شده باشد. همچنان اهمیت تجارت بین‌المللی در اقتصاد کشورها بدین گونه بیان شده است.

منافع حاصل از تجارت بین‌المللی به کشورها کمک میکند، تا از تولیدات کشورهای دیگر استفاده کنند و کالاهای مورد نیاز مردم را باقیمت ارزان‌تر و کیفیت بهتر از خارج تهیه کنند و تولید کنندگان را تشویق میکند و صدور کالاهای خود سود مناسب را بدست آورند. در مجموع تجارت بین‌المللی وضعیت اقتصادی کشورها را بهبود می‌بخشد و در نتیجه باعث این میگردد، تا در کالاهای

تولیدی تخصص پیدا کنند و تخصص بین‌المللی باعث میشود که هر کشور به تولید آن دسته از کالاها و خدماتی بپردازد که منابع طبیعی، سرمایه، نیرو انسانی و تجربه معلومات فنی مناسب با آن را در اختیار خود داشته باشد.

چالش‌های تجارت بین‌المللی در گذشته، موضوعات چون موانع قانونی، نا امنی وضع دولت‌ها، مانع آن شد که مردم بخاطر آرام به تجارت بپردازند و همچنان تجارت از یک کشور به کشور دیگر علاوه بر خطرات داخلی، به روابط بین‌کشوری نیز بسته‌گی داشت. در آخرین تحلیل آنچه باعث میشود که انگیزه‌های تجارت بین افراد را از بین ببرد همانا نا امنی و عدم روابط دوستانه بین دولت‌ها و کشورها میباشد.

### مصارف تجارت

مصارف حمل و نقل کالاها، فراوانی و یا کاهش تولید امتعه در بعضی کشورها به علل مختلف چون علل طبیعی و همچنان تخصص و تجربه بلند، در تولید کالاها، وجود شرایط جغرافیه‌وی مناسب، وجود منابع لازم باعث می‌شد که تولید کنندگان امتعه را با صرف زمان و مصارف کمتر تولید کنند. تکرار تولید خاص از کالا باعث بالا رفتن مهارت افراد در تولید و نیز افزایش کیفیت تولید میشد. دلیل فراوانی برخی از کالاها در یک منطقه، کالاها به مصرف غیر متعارف میرسید، تولید فراوان در یک منطقه و کم‌یابی در منطقه دیگر باعث میشد تا مسافران مصارف سفر خود را تامین کنند. همین امر باعث تشویق مردم به تجارت بود ولی عوامل که امروز باعث کاهش مصارف تجارت در

داخل و خارج شده قرار ذیل است: پیشرفت فنی وجود امنیت نسبی در کشورها، راه‌های مناسب و مقررات مورد قبول بین‌المللی، همچنان عواملی که باعث شده تجارت بین‌المللی با روش‌های علمی صورت گیرد، عبارت‌اند از گسترش جوامع، متنوع شدن کالاهای تولیدی، وسایل حمل و نقل و ظهور تحولات دیگر میباشد.

هر کشوری که در عرصه تجارت از تخصص و نیروی کار مبتکر برخوردار میباشد، دقیقاً آن کشور در تجارت و امور بازار یابی موفق است. در کل امور تجاری که تاجر به آن می‌پردازد، به حوزه تجارت قرار دارند. اگر فعالیت تجاری در خارج از مرزهای یک کشور صورت گیرد، به آن تجارت خارجی گویند. بناءً تجارت بین‌المللی مجموعه فعالیت‌های تجاری است که بین کشورهای مختلف دنیا صورت می‌پذیرد. پس درین جا سوال خلق می‌گردد چرا ملت‌ها به تجارت روی می‌آورند؟ دلیل این امر یکسان نبودن منابع و عوامل تولید، عدم تعادل کشورها از لحاظ تکنیکی، تفاوت شرایط اقلیمی و غیره عوامل دیگر باعث می‌شود که ملت‌های جهان بایک دیگر در هر زمان و مکان دست به تجارت بزنند. پس دوفکتور عمده که از تجارت بین‌المللی مستفید میگردند به شرح ذیل هستند.

#### ۱- تولید کنندگان:

ادامه کار بسیاری از تولید کنندگان به وارد کردن ماشین‌آلات و لوازم و مواد اولیه کشورهای دیگر وابسته است. در نتیجه تجارت بین‌المللی کالاهای خارجی وارد کشور میشوند و





که از بین بردن موانع تجاری و برقراری تجارت آزاد به نفع کلیه کشورها خواهد بود. وی علاوه می‌کند هر کشور باید در تجارت در یک کالا بخصوص تخصص داشته باشد و به این دلیل که در یک کالا اگر تخصص داشته باشد، به شکل بهتر و خوب‌تر باکیفیت‌تر و مرغوب‌تر آن را تولید کرده به تجارت سوق می‌دهد. درین جا هم کالا کشور موصوف بیشتر به فروش میرسد و هم به نسبت کیفیت عالی جایگاه خویش را در بازار بدست می‌آورد.

بناءً نظر به باور آدم اسمت هر کشور که می‌خواهد تولیدات خویش را در تجارت سهیم سازد. باید اولاً آن کشور تمام جنبه های موادی که در پیروسة تولید از آن استفاده میشود مورد مطالعه قرار دهد. یعنی امتعه که تولید میشود، آیا مواد خام، نیرو کار ارزان و مجرب و محیط مناسب در آن کشور موجود است یا خیر؟ اگر موارد مذکور در آن کشور موجود باشد، زمینه برای تولید از لحاظ اقتصادی مساعد است. پس همین طور کشور باید در همان تولیدی تخصص بگیرد که همه شرایط تولید مناسب در آن موجود باشد. پس مطمئناً تولید آن کشور جایگاه و مقام مناسبی خویش را در بازار جهانی داشته میباشد. زمانی که ما حرف از تخصص می‌زنیم درین جا همان مزیت مطلق کالا در میان می‌آید که باید آن را بدانیم که چیست؟

مزیت مطلق عبارت از این است که هر کشور امتعه واجناس را با کمترین مصارف تمام شد تولید و تهیه نماید و سهل‌ترین شرایط تولید برایش آماده باشد. پس باید در آن تولید تخصص کامل پیدا کند این کار وقتی صورت گرفته میتواند مواد خام به شکل وافر باشد. (ادامه مطلب در شماره بعدی)

تولیدکنندگان داخلی را به تلاش برای تولید بهتر و کارآمدتر وارد می‌سازند که این امر باعث بهبود کیفیت کالاهای تولیدی در سطح جهان می‌گردد.

## ۲- مصرف کنندگان:

واردات کالاهای خارجی به مصرف کنندگان این امکان را میدهد که از کالاهای متنوع و ارزان استفاده کنند، کالاهای خارجی نظر به این دلایل باید وارد کشور گردد که کالاهای مشابه داخلی ارزان‌تر و مرغوب‌تر باشد. مشابه به آن در داخل تولید نه شود. با صادرات کالا به خارج مصرف‌کننده گان اسعار لازم برای تأدیه قیمت کالاهای ضروری وارداتی را بدست می‌آورند.

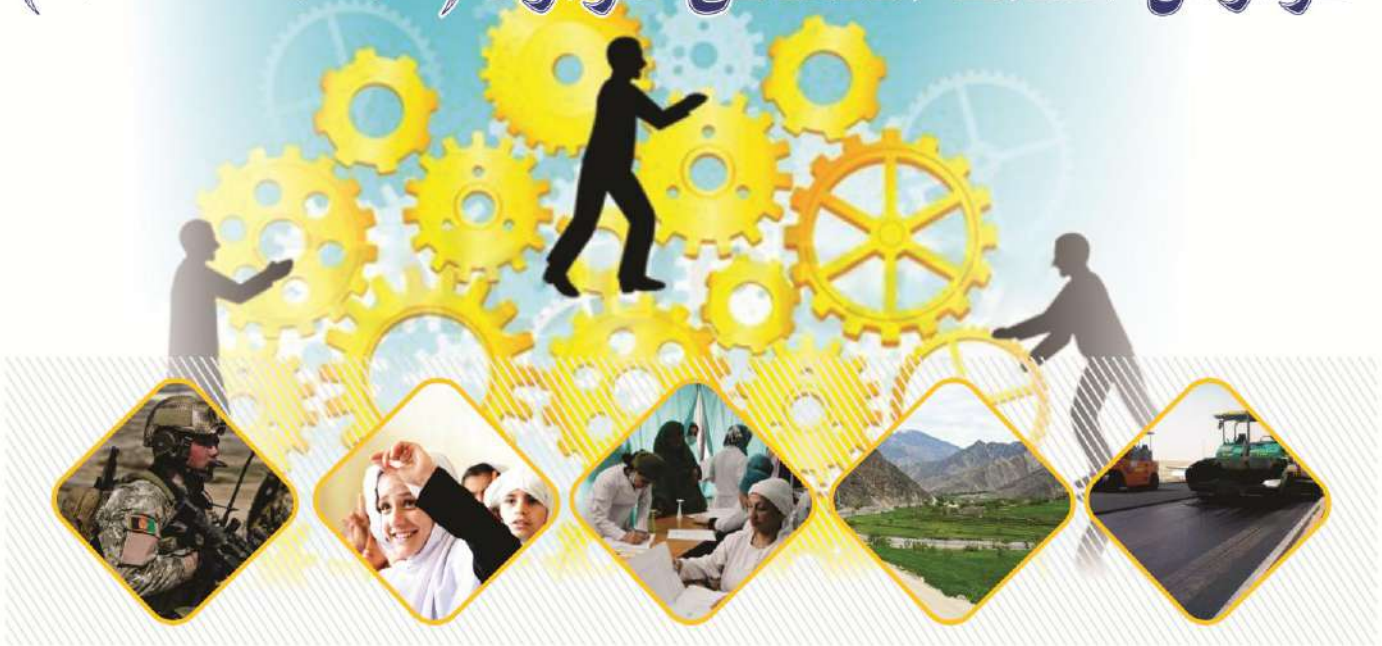
نظریات دانشمندان در رابطه به تجارت بین الملل:

در رابطه به تجارت بین الملل، دانشمندان به دو گروه عمده تقسیم شده اند که یکی آن طرفدار آزادی تجارت و انکشاف تجارت بین الملل و دومی آن طرف دار دخالت دولت و برقراری حمایت دولت و گاهی خواستار محدود ساختن تجارت بین المللی میباشد.

## آدم اسمت ۱۷۲۳ \_ ۱۷۹۰

آدم اسمت اقتصاد دان انگلیسی و پدر علم اقتصاد بود. وی از طرفداران مشهور مکتب کلاسیک به حساب می‌آید. مرکز ثقل نظریات وی را تقسیم کار بین المللی تشکیل میدهد. به عقیده وی تحقق تقسیم کار در سطح بین الملل باعث تخصص کامل کشورها، در تولید کالاهای مختلف شده و منجر به افزایش بازدهی و سطح تولیدات در کل دنیا خواهد شد. همچنان موصوف معتقد بر این است

# گزارش اهداف انکشافی هزاره (۲۰۱۵-۲۰۰۵)



تامین امنیت در کشور، منطقه و جهان خواهد بود.

## خلاصه گزارش اهداف انکشافی هزاره (MDGs)

### هدف اول: امحای فقر و

#### گرسنگی شدید

کاهش فقر یکی از اهداف نهایی و اساسی روند انکشاف اقتصادی جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۳) نیز موضوع کاهش فقر و رسیدگی به نیازهای اساسی بخش های آسیب پذیر و مستمند جامعه افغانستان را مورد تأکید قرار داده است. در حال حاضر، بیشتر از یک ثلث نفوس (۳۶ فیصد) با داشتن عاید پایین تر از خط فقر به زندگی خود ادامه می دهند. به عبارت دیگر، بیشتر از ۹ میلیون تن از افغان ها قادر نیستند تا نیازهای اساسی خود را مرفوع نمایند. تعداد زیادتری از مردم شدیداً در معرض گرفتاری به دام فقر قرار دارند. علاوه بر این مسائل، منازعه

جنگهای و نا امنی های داخلی بود، نتوانست در تدوین اهداف انکشافی هزاره (MDGs) سهم بگیرد. بناءً دولت افغانستان اعلامیه هزاره سوم و اهداف انکشافی متذکره را در ماه مارچ ۲۰۰۴ به تصویب رساند. لهذا معیاد زمانی برای حصول اهداف انکشافی هزاره برای تمام کشورهای جهان سال ۲۰۱۵ بوده اما برای افغانستان سال ۲۰۲۰ تعیین گردیده است.

با وجود وضعیت ناهنجار صحت و گرسنگی، افغان ها نبود امنیت را نیز از بزرگترین چالش بر سر راه خویش محسوب می نمایند که به این ترتیب دولت افغانستان موضوع امنیت را من حیث یک هدف دیگر بالای اهداف انکشافی هزاره (MDGs) اضافه نمود. بناءً نایل آمدن به اهداف انکشافی هزاره در افغانستان تنها یک خواست توصیوی نبوده، بلکه رسیدن به این اهداف به معنی

بیش از پانزده سال از طرح اهداف و مقاصد انکشافی هزاره توسط رهبران جهان به منظور نجات بشریت از فقر شدید، گرسنگی، بیسوادی و امراض مهلک گذشته است، ولی با آن هم موضوعات متذکره از جمله ای مشکلات عمده جهان به شمار میروند. اهداف انکشافی هزاره به صورت عموم بالای رشد سرمایه بشری وزیربنایی متمرکز بوده که تحت اجندای بهبود سرمایه بشری، توجه روی بهبود تغذی، خدمات صحت بالخصوص کاهش مرگ و میر اطفال، مرگ و میر مادران، کاهش امراض ساری از قبیل بیماری مهلک ایدز، توبرکلوز و مالاریا، بهبود صحت طفل و مادران و ارائه تعلیمات ابتدایی برای طبقه انان و ذکور تمرکز دارد.

در ماه سپتمبر سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهر نیویارک گردهم آمدند تا اهداف انکشافی هزاره را برای تمام کشورهای جهان تعیین نمایند. از اینکه افغانستان در آن زمان درگیر



جاری، اتکای شدید به زراعت و مساعدت های بین المللی، و همچنین فقدان پالیسی های شفاف در زمینه حمایت از فقرا از جمله عوامل کلیدی هستند که منجر به بالا رفتن میزان فقر در کشور شده اند.

یافته های سروی خانوار که اخیراً در سطح ملی انجام شده است، نشان می دهد که بین سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲، علی الرغم بالا بودن میزان رشد اقتصادی (۱۰ فیصد)، هیچ گونه تغییراتی در میزان شیوع فقر در سرتاسر کشور رخ نداده است. هرگاه رشد اقتصادی مقارن با کاهش فقر نباشد، می توان اینگونه استدلال کرد که مزایای رشد اقتصادی به شکل مساویانه در میان اعضای جامعه توزیع و تقسیم نشده است. منازعه و فعالیت های نظامی مداوم در سطح ولایات منجر به آن شده است که میزان ناهمسانی سطوح فقر در میان ولایات بالا برود. اما فاصله فزاینده میان ثروتمندان و فقرا نیز از دیگر عواملی است که سبب نابرابری در توزیع رفاه و بهروزی در کشور شده است.

آنچه وضعیت افغانستان را از این هم پیچیده تر می کند، همانا اتکای شدید این کشور به اقتصاد زراعتی می باشد. علی الرغم آنکه سهم نسبی سکتور زراعت در تولید ناخالص داخلی به دلیل ورود مقادیر بالای مساعدت های بین المللی به سکتورهای دیگر کاهش یافته است، این سکتور هنوز هم جایگاه خود را به عنوان یکی از محرک های رشد اقتصادی کشور حفظ می کند. اما با توجه به اتکای شدید کشور به اقتصاد زراعتی، روند رشد اقتصادی افغانستان شدیداً متغیر و بی ثبات می باشد.

میزان فراهم بودن مواد غذایی مغذی در یک کشور، یکی دیگر از شاخصه های وضعیت فقر در آن کشور برشمرده می شود و این در حالی است که وضعیت این شاخصه ها در افغانستان مطلوب نمی باشد، هر چند شرایط رو به بهبودی است. سروی ملی تغذیه که در سال ۲۰۱۳ توسط یونیسف اجرا شده است، نشان می دهد که میزان شیوع کم وزنی در میان اطفال پایین تر از ۵ سال از ۳۴ فیصد در سال ۲۰۰۴ به ۲۵ فیصد در ۲۰۱۳ کاهش یافته است.

با توجه به یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی هیچ گونه تغییر قابل ملاحظه در میزان شیوع عدم مصونیت غذایی بین سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ (تحلیل اولیه) و ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ صورت نگرفته است و این میزان در حد ۳۰ فیصد باقی مانده است. مقایسه یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ نشان می دهد که نسبت جمعیت افرادی که مواد غذایی انرژی زا را کمتر از میزان حد اقل مصرف می کنند و از امنیت غذایی بهره مند نمی باشند، از ۲۸،۲ فیصد به ۳۰،۱ فیصد افزایش یافته است. افزایش این رقم ناشی از وخیم شدن وضعیت مصونیت غذایی است که خود در نتیجه خشکسالی شدید در سال ۲۰۱۱ در ۱۴ ولایت شمالی کشور بوقوع پیوسته است. این ولایات معمولاً ساحاتی هستند که تولید مازاد (افزوده) در آن صورت می گیرد.

یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نشان می دهد که میزان عدم مصونیت غذایی در بین ۳۰

فیصد نفوس کشور متوسط و بسیار شدید می باشد. ۸،۵ فیصد از این تعداد در وضعیت عدم مصونیت غذایی بسیار شدید بسر می برند. تحلیل مذکور همچنین نشان می دهد که تعداد بیشتری از مردم شهری در مقایسه با افراد ساکن در نقاط روستایی یا جمعیت های کوچی، دچار کمبود شدید کالری و پروتین می باشند. ۳۴ فیصد از مجموع نفوس شهری بلحاظ غذایی غیرمصون می باشند. در حالی که این رقم در مقایسه با جمعیت های روستایی ۲۹ فیصد و در مقایسه با جمعیت های کوچی ۲۶ فیصد می باشد. ۲۱ فیصد جمعیت شهری دچار کمبود پروتین می باشند که این رقم در میان روستائیان و کوچی ها به ترتیب برابر به ۱۹ و ۱۵ فیصد می باشد.

## هدف دوم: تحقق تعلیمات

### ابتدایی همگانی

طی ده سال گذشته، پیشرفت های چشمگیر در زمینه دسترسی به معارف در افغانستان صورت گرفته است. یکی از این پیشرفت ها همانا بالا رفتن نرخ خالص شمولیت در تعلیمات ابتدایی می باشد که از ۷۰ فیصد در سال ۲۰۱۱ به ۷۶ فیصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. علاوه بر این، میزان بقاء در مکاتب و میزان سواد جوانان (بین سنین ۱۵ الی ۲۴) نیز افزایش یافته است.

این دستاوردها هر چند چشمگیر هستند، اما برای تحقق تعلیمات ابتدایی همگانی تا سال ۲۰۲۰ در افغانستان کافی نمی باشند. توصیه های ارائه شده توسط گزارش "معارف برای همه" (۲۰۱۵) در

ختم بخش ارزیابی هدف ۲ گنج‌نیده شده است.

### هدف ۳: ارتقای برابری

#### جنسیتی و توانمندسازی زنان

مطابق به سالنامه احصائیوی افغانستان (۲۰۱۳-۲۰۱۴) زنان ۴۹ فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند. دولت افغانستان تعهد نموده تا از الزامات معاهدات حقوق بشری که در راستای توانمندسازی زنان و تأمین فرصت های سودمند برای زنان امضاء نموده است، پیروی نموده و در راستای کاهش نابرابری جنسیتی تلاش نماید. هر چند دولت افغانستان هنوز هم با چالش های زیادی در عرصه تحقق کامل حقوق زنان در افغانستان مواجه می باشد. وضعیت کشور به طور عمومی بهبود یافته است و مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی نسبت به یک دهه گذشته برجسته تر شده است. برای مثال، مشارکت زنان در پارلمان ملی (۲۷ فیصد)، از حد اوسط جهانی یعنی ۲۱٫۸ فیصد هم فراتر رفته است. قوانین افغانستان، به منظور ترغیب مشارکت زنان در عرصه سیاست، سهمیه ای از کرسی های ولسی جرگه، مشرانو جرگه و شوراهای ولایتی را برای زنان در نظر گرفته است. همچنین احکامی وجود دارد که بر اساس آن سهمیه مشخصی از چوکی های کمیسیون های مستقل، از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به زنان اختصاص می یابد.

در ادامه بحث مربوط به هدف دوم، باید افزود که افزایش نرخ شمولیت دختران

در مکاتب منجر به بالا رفتن سطح سواد زنان در کشور شده است. نسبت دختران به پسران در تعلیمات ابتدایی، تعلیمات ثانوی و تحصیلات عالی افزایش یافته و بنا بر جدید ترین ارقام به ترتیب برابر به ۰٫۶۷، ۰٫۵۴ و ۰٫۳۹ می باشد. دلیل اصلی عدم حضور دختران در مکتب به مسائل فرهنگی ارتباط می گیرد (که ۳۴ فیصد دختران در سن تعلیمات ابتدایی و ۵۳ فیصد آنها در سن تحصیلات عالی را متأثر می سازد) و عدم دسترسی به مکتب و دور بودن مکتب از خانه در مکان های بعدی قرار می گیرند.

میزان مشارکت زنان در نیروی خدمات ملکی افزایش یافته است، هر چند تفاوت های گسترده ای از یک ولایت به ولایت دیگر وجود دارد. در حالیکه نسبت کارمندان دولتی اناث به ذکور در مناطق جنوبی و جنوب شرقی در حد پایین ۰٫۰۲ می باشد، این نسبت در ولایات شمالی و غربی تا حد ۰٫۶۷ (۴۰ فیصد از مجموع تعداد کارمندان) بالا رفته است.

با این حال، علی الرغم این دستاوردها، خشونت علیه زنان هنوز هم یک چالش دلهره آور در افغانستان قلمداد می شود. قانون محو خشونت علیه زنان در سال ۲۰۰۹ تصویب شد. گفته می شود که موانع فرهنگی، بیسوادی، تداوم جنگ و تأثیرات ناشی از آن، بی ثباتی سیاسی و عدم حاکمیت قانون منجر به استمرار و بقای این پدیده خانمان سوز می شوند.

### هدف ۴: کاهش مرگ و میر

#### اطفال

مرگ و میر اطفال و نوزادان از جمله شاخص هایی هستند که به میزان گسترده

جهت سنجش میزان انکشاف و رفاه (بهروزی) یک ملت بکار می روند. احصائیه های مربوط مرگ و میر اطفال نمایانگر وضعیت صحتی آنها می باشند و بدین لحاظ در زمینه معلومات رسانی برای روند پالیسی سازی و طراحی برنامه های صحتی که منجر به افزایش سطح بقای اطفال می شوند، مفید هستند. تجزیه و تحلیل و تفکیک بندی این معلومات بر اساس خصوصیات اجتماعی- اقتصادی و جمعیتی به ما کمک می کند تا گروپ های فرعی در معرض خطر را شناسایی نموده و برنامه های موجود را با وضعیت آنها منطبق بسازیم.

هرچند نرخ مرگ و میر اطفال و نوزادان در افغانستان به میزان چشمگیر طی دو دهه گذشته کاهش یافته است، این نرخ ها در مقایسه با کشورهای منطقه بالا هستند. از اواخر سال ۲۰۰۳ بدین سو، افغانستان، نرخ مرگ و میر اطفال زیر سن ۵ و نوزادان را هر کدام الی ۶۰ فیصد کاهش داده است. بر اساس جدیدترین معلومات که توسط وزارت صحت عامه فراهم شده است، نرخ مرگ و میر اطفال زیر سن ۵ از رقم سرسام آور ۳۱۹ مرگ در هر ۱،۰۰۰ تولد زنده در سال ۱۹۷۰ به ۹۷ واقعه مرگ در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است. با این حال، میزان مرگ و میر نوزادان تا یک ماه اول که برابر به ۴۰ مرگ در هر ۱،۰۰۰ تولد زنده می باشد، ۵۰ فیصد نرخ مرگ و میر نوزادان را تشکیل می دهد. کاهش مرگ و میر نوزادان تا یک ماه اول شدیداً کند بوده است، طوریکه این نرخ سالانه به میزان ۰٫۱ فیصد کاهش یافته است. دلایل اصلی



مرگ و میر نوزادان در ماه اول عبارت اند از اثانات، خفه‌گی، تولد قبل از وقت و کم وزنی در هنگام تولد.

نسبت اطفال یک ساله که واکسین سرخکان شده اند، از ۳۵ فیصد در سال ۲۰۰۳ به ۵۹ فیصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

هرچند دستاوردهای چشمگیری در این زمینه حاصل شده است، اما نیاز به آن است تا از طریق گسترش برنامه های صحی، اقدامات بیشتری در راستای رسیدگی به دلایل شایع مرگ و میر اطفال صورت گیرد.

### هدف ۵: بهبود صحت مادر

یکی از موفقیت های دولت افغانستان طی دهه گذشته همانا کاهش چشمگیر نرخ مرگ و میر مادران می باشد، هرچند این نرخ هنوز در سطح جهان یکی از بالاترین نرخ ها می باشد. در سال ۲۰۰۳، نرخ مرگ و میر مادران برابر به ۱۶۰۰ مرگ در هر ۱۰۰،۰۰۰ تولد زنده بوده است. این نرخ در سال ۲۰۱۰ به ۳۲۷ مرگ (جدید ترین معلومات) کاهش یافته است. میزان ولادت هایی که با حضور پرسونل ماهر(قابل) انجام شده نیز از ۱۴ فیصد در سال ۲۰۰۳ به ۴۷ فیصد در سال ۲۰۱۵، افزایش یافته است. نسبت باروری (تعداد ولادت های زنده به ازای هر زن) از ۶،۲ ولادت در سال ۲۰۰۳ (رقم اولیه، بر اساس یافته های سروی خوشه یی چند شاخصه ای) به ۵،۱ ولادت در سال ۲۰۱۰ (مطابق به یافته های سروی مرگ و میر افغانستان) کاهش یافته است.

مطالعات مختلفی که طی سال های گذشته انجام شده اند، معلومات متغیری را

ارائه می کنند. اما همه گی نشان می دهند که سطح پوشش خدمات مراقبت قبل از ولادت، یعنی حد اقل یکبار ویزیت زنان باردار، افزایش یافته است. یافته های سروی خوشه یی چند شاخصه ای نشانگر کاهش ۱۲ فیصدی این میزان یعنی از ۶۰ فیصد به ۴۸ فیصد می باشد؛ با این حال، سروی صحت افغانستان (۲۰۱۲) نشانگر افزایش این رقم به ۵۴ فیصد می باشد. مطابق به یافته های سروی صحت افغانستان (۲۰۱۲)، ۵۴ فیصد زنان باردار قبل از ولادت حد اقل یکبار ویزیت شده اند که نشان می دهد پیشرفت مثبت در مقایسه با نتایج تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی (۲۰۰۷-۲۰۰۸) که این میزان را ۳۶ فیصد گزارش داده بود و همچنین در مقایسه با سروی خوشه یی چند شاخصه ای افغانستان (۲۰۱۳) که این میزان را ۴۷،۹ فیصد گزارش داده بود، صورت گرفته است.

هر چند دستاوردهای چشمگیر در این زمینه صورت گرفته است، دسترسی برابر تمام شهروندان کشور به خدمات صحی اساسی هنوز هم یک چالش می باشد. وزارت صحت عامه افغانستان اقدامات عمده ای را در راستای بهبود مراقبت صحی ولادی و مراقبت صحی قبل از ولادت از جمله موارد ذیل انجام داده است: تدوین معیارها و رهنمودهای لازم در زمینه مراقبت مادران، آموزش قابله ها و دوکتوران، آموزش قبل از خدمت قابله های محلی، تقویت زیربنای صحی، حصول اطمینان از تأمین وسایل و تجهیزات لازم، تهیه مواد معلوماتی، برگزاری کمپاین های آگاهی رسانی و

اجرای سروی های مربوط به تطبیق پروژه ها و ابتکارات آزمایشی که در عرصه های صحت مادر و نوزاد تطبیق شده اند.

با توجه به اینکه خطر مادام العمر مرگ و میر ناشی از عوارض بارداری، در ساحات روستایی ده مرتبه بیشتر از ساحات شهری می باشد، استراتژی افزایش دسترسی به خدمات وابسته به صحت باروری و صحت مادر معطوف به تأمین خدمات صحی اساسی و مراقبت ولادی عاجل در مراکز صحی اساسی، مراکز صحی جامع و شفاخانه های تخصصی در ولسوالی ها بوده است که اساساً در صدد پوشش خدماتی شهرها، شهرک ها و قریه جات می باشند.

### هدف ۶: مبارزه با اچ.آی.وی،

#### ایدز، مالاریا و دیگر امراض ساری

هدف ششم در اصل به منظور وقایه از شیوع اچ آی وی، مالاریا و امراض ساری دیگر تدوین گردیده است. افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای پایین ترین میزان شیوع اچ آی وی در سطح جهان می باشند، طوری که میزان شیوع این مرض در افغانستان اخیراً ۰،۱ فیصد تخمین شده است. با این حال، معلومات معطوف به الگوهای رفتاری افراد، نمایانگر احتمال شیوع اچ آی وی بویژه در میان معتادین تزیقی می باشد. از سوی دیگر، عوامل ساختاری که در گسترش این مرض نقش دارند نیز شایع هستند، از جمله تولید و قاچاق مواد مخدر، ممنوعیت مذهبی و فرهنگی برقراری روابط جنسی خارج از رابطه زناشویی که (ممکن است افراد متخلف را از تست دادن و تداوی باز دارد)، استفاده از مواد غیرقانونی، بالا بودن

نفوس جوانان (بیش از ۶۰ فیصد آنها کمتر از ۲۵ سال سن دارند)، فقر، نا امنی، عدم دسترسی به تعلیمات با کیفیت و خشونت. عوامل دیگری که در شیوع مرض اچ آی وی نقش دارند، عبارتند از: بالا بودن میزان شیوع توبرکلوز، انتان‌های مقاربتی، پایین بودن سطح سواد، انگشت نما شدن و تبعیض علیه افرادی که با اچ آی وی زندگی می‌کنند.

محرك اصلی شیوع اچ آی وی در افغانستان همانا معنادین تزریقی می باشد که تعداد آنها در سال ۲۰۱۵ توسط برنامه ملی کنترل ایدز (با استنتاج معلومات موجود) حدوداً ۴۰،۹۰۰ تخمین شده است. سروی تلفیقی مراقبت رفتاری-بیالوژیک (IBBS) که در سال ۲۰۱۲ اجرا شده است، میزان شیوع اچ آی وی در میان معنادین تزریقی را ۴،۴ فیصد کل جمعیت تخمین زده است. میزان شیوع اچ آی وی از ۰،۳ فیصد در مزار، ۰،۹ فیصد در چاریکار، ۱ فیصد در جلال آباد، ۲،۴ فیصد در کابل به ۱۳،۳ فیصد در هرات افزایش میدهد. یافته‌های سروی مذکور همچنین نشان می‌دهند که تخمیناً ۱۱ فیصد تمام افرادی که گفته اند معتاد تزریقی هستند از سوزن یا سرنج مشترک استفاده می‌کنند؛ ۶،۲ فیصد پاسخگویان تزریقی گفته اند که از سرنج‌ها و وسایل زرقی ضد عفونی نشده استفاده می‌کنند.

افغانستان در سطح جهان، به جز محدوده آفریقا، هفتمین کشوری است که دارای بیشترین میزان مالاریا می باشد و از این دیدگاه در مکان سوم در منطقه مدیترانه شرقی سازمان صحت جهانی قرار می‌گیرد. تعداد موارد مرگ و میر در

شفاخانه به علت ابتلا به مرض مالاریا طی ۱۰ سال گذشته در حال تغییر بوده و از بالاترین تعداد یعنی ۴۶ مورد در سال ۲۰۰۸ به ۳۲ مورد در سال ۲۰۱۴ کاهش یافته است. طی این مدت زمان، روزانه حداقل یک مورد مالاریا گزارش شده است.

برنامه ملی توبرکلوز پیشرفت چشمگیری داشته و از سال ۲۰۰۲ بدین سو دستاوردهای زیادی را رقم زده است. با تأسیس ۱،۳۰۴ مرکز «تداوی تحت نظارت مستقیم» (DOT) که هر یک خدمات و مراقبت از توبرکلوز را مطابق به معیارهای بین‌المللی فراهم می‌کنند، رقم تخمینی افرادی که به تأسیسات تداوی تحت نظارت مستقیم دسترسی دارند به میزان قابل ملاحظه از ۱۴ فیصد در سال ۲۰۰۱ به ۹۷ فیصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. «میزان تداوی موفقانه» نیز از ۸۴ فیصد در سال ۲۰۰۱ به ۹۰ فیصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. در نتیجه، نرخ مرگ و میر سالانه از ۹۳ مرگ به ۴۲ مرگ در هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر کاهش یافته است و میزان شیوع این بیماری در هر سال از ۶۷۱ به ۳۴۰ نفر در هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر کاهش یافته است.

## هدف ۷: حصول اطمینان از

### پایداری محیط زیست

اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان، هر چند یک سازمان نسبتاً جدید است، عملکرد قابل ملاحظه‌ای در راستای حفاظت از منابع طبیعی و حیات وحش کشور داشته است. کشور افغانستان از طریق قانون محیط زیست که در سال ۲۰۰۷ تصویب شد، پالیسی‌های مدیریت منابع طبیعی، ارتقای ظرفیت دولت، آگاهی رسانه‌ای، عامه، استقبال از موضوع انکشاف پایدار و

گسترش ساحات حفاظت شده، سیستم‌های بسیار نیرومندی را برای حفاظت از محیط زیست ایجاد نموده است.

اما با این وجود هم افغانستان با چالش‌های جدی مواجه می‌باشد. مهارت‌های افراد در ساختارهای ملی، از جمله اجتماعات محلی، رهبران محلی، پژوهشگران و کارمندان ادارات حکومتی باید تقویت گردد. موضوعاتی همچون تولید کمتر مواد آلوده کننده و پایداری محیط زیست، باید بیشتر از قبل در پالیسی‌ها و استراتژی‌های انکشافی ملی مورد تأکید قرار گیرند. همچنین آگاهی‌رسانی در مورد تغییرات اقلیمی که مشکلات موجود را تشدید و تمام سکتورهای افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید مدنظر قرار گیرد. افزون بر آن، خطرات دیگری نیز وجود دارند که کشور را در برابر تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی بیشتر آسیب پذیر می‌سازند. این خطرات عبارتند از استفاده غیرپایدار از منابع طبیعی، بالا بودن میزان فقر، وابستگی به زراعت بارانی، فضای ضعیف پالیسی سازی و تداوم نامنی. تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی به نوبه خود شدت این خطرات را بالا می‌برند.

در حال حاضر، ۲،۶ فیصد اراضی کشور را جنگلات پوشش میدهد که این میزان از هدف تعیین شده برای سال ۲۰۱۵ که ۲،۱ فیصد در نیز فراتر می‌رود و از سوی دیگر شواهدی وجود دارد، مبنی بر این که این میزان تا سال ۲۰۲۰ به ۳ فیصد خواهد رسید. میزان تولید کاربن دی اکساید در افغانستان، هر چند در حال افزایش است، یکی از پایین‌ترین ارقام در سطح جهان می‌باشد؛ در سال ۲۰۱۲، سازمان ملل متحد، میزان تولید کاربن دی اکساید را ۰،۲۹ متریک تن (metric ton) در هر نفر تخمین زده است. با این حال، از آنجا که کشور ما در مسیر

رشد قرار دارد و انتظار می رود که این روند طی سال های آتی بهبود یابد، میزان تولید کاربن دی اکسید از حد فعلی نیز فراتر خواهد رفت. دولت بر این نکته اذعان دارد که حرکت در مسیر رشد می تواند فرصتی برای جستجوی امکانات توسعه با حداقل تولید کاربن دی اکساید و تمرکز بر انرژی های قابل بازیافت و تکنالوژی های اقلیمی هوشمند فراهم آورد. مصرف «مواد کاهنده ازون (ODS)» به میزان قابل ملاحظه از رقم سالانه اولیه ۹۹،۴ متریک تن در سال ۲۰۰۵ به ۱۷،۳۴ متریک تن در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته و از حد تعیین شده برای سال ۲۰۱۵ نیز فراتر رفته است. با کمک بخش ازون اداره ملی حفاظت از محیط زیست که تحت پشتیبانی برنامه محیط زیست ملل متحد فعالیت می کند، موفقیت های عمده ای در زمینه کاهش مصرف مواد کاهنده ازون رقم خورده است. کلروفلوروکاربن ها نگران کننده ترین ترکیب کیمیاوی بود که در سال ۲۰۱۰ به شکل کامل از بین رفت. متعاقباً، شاهد کاهش تدریجی اما دائمی میزان مصرف مواد کاهنده ازون بوده ایم. افغانستان از نقطه نظر تأمین دسترسی به فاضلاب و آب آشامیدنی سالم، بسیار عقب تر از کشورهای همسایه اش می باشد. مطابق به تخمین های ملل متحد، افغانستان از لحاظ تأمین آب آشامیدنی سالم بدترین وضعیت را در سطح جهان دارد. با این حال، با توجه به اینکه از شیوه های مختلف برای دسته بندی تأسیسات بهداشتی بهبود یافته و بهبود نیافته استفاده می شود، تفاوت هایی در معلومات موجود وجود دارد. برای مثال، یافته های سروی شرایط زندگی در افغانستان (۲۰۱۴) نشان می دهد که ۶۷،۳ فیصد جمعیت کشور به منابع آبی بهبود یافته دسترسی داشته اند که این رقم از میزان ۴۳،۷ فیصد که در سروی ملی خطرات و آسیب پذیری ها (۲۰۱۱-۲۰۱۲)

(۲۰۱۲) گزارش شده است، بالاتر بوده و از حد تعیین شده ۶۱،۵ فیصد برای سال ۲۰۲۰ نیز فراتر می رود. این سروی همچنین تخمین می زند که ۱۵ فیصد جمعیت کشور به منابع بهبود یافته آب و فاضلاب دسترسی داشته اند که در مقایسه با سال های قبلی یک پیشرفت قابل ملاحظه به حساب می آید.

اما (برنامه نظارتی مشترک سازمان صحت جهانی/یونیسف برای تأمین آب و فاضلاب) تخمین زده است که ۵۵ فیصد جمعیت افغانستان در حال حاضر از منابع بهبود یافته آب آشامیدنی و ۳۲ فیصد آنها از تأسیسات بهبود یافته فاضلاب استفاده می کنند. تخمین های ارائه شده توسط این برنامه مبتنی بر ده سروی ملی خانوار می باشد که طی هشت سال گذشته توسط اداره مرکزی احصائیه انجام شده اند. این برنامه مشترک با استفاده از روش MDG برای دسته بندی خدمات بهبود یافته و بهبود نیافته آب و فاضلاب، ارقام تخمینی را از ده سروی مذکور استخراج نموده و تخمین های سال ۲۰۱۵ را با استفاده از روش رگرسیون خطی ارائه کرده است. سروی شرایط زندگی در افغانستان، نسبت به برنامه نظارتی مشترک، تعریف دقیق تری برای دسترسی در نظر گرفته است و در نتیجه میزان دسترسی به منابع آب و فاضلاب را کمتر گزارش داده است.

انتظار می رود روند منفی مخروبه نشینی طی چند سال آینده تداوم یابد و حتی ممکن است با توجه به رشد و توسعه شهری تسریع یابد. این جریان با شیوع جنگ و درگیری در سال ۲۰۰۸ وخیم تر شد و تا سال ۲۰۱۲ با شدت بیشتر ادامه یافت و در نتیجه تعداد بی جا شدگان داخلی افزایش یافت. کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان گزارش داد که تا ماه مارچ ۲۰۱۳ جمعاً ۵۳۴،۰۰۶ نفر در داخل کشور به

علت جنگ بیجا شده اند. کارشناسان گفته اند که معلومات سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ از دقت کافی برخوردار نمی باشند، زیرا تحرکات بیجا شدگان داخلی و زاغه نشینان به خوبی تحت نظارت قرار نگرفته است. یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نشان می دهد که تا ۹۳ فیصد خانوارهای شهری تحت شرایط محرومیت از امکانات فیزیکی و محیطی زندگی می کنند. در نتیجه، حد معینه کاهش جمعیت راغه نشینی به ۱،۵۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ هنوز قابل دسترس نیست.

## هدف ۸: توسعه همکاری جهانی برای انکشاف

افغانستان طی ۱۴ سال گذشته مقادیر بی سابقه ای از کمک های انکشافی بین المللی را دریافت نموده است. در حالیکه مقادیر هنگفت کمک ها مزایای ارزشمندی برای کشور به دنبال داشته است، این جریان مشکلاتی را نیز به بار آورده است. بخش اعظم پیشرفت ها از سال ۲۰۰۱ بدین سو با تکیه بر کمک های انکشافی امکان پذیر شده است. از جمله خدمات مهم، زیربنا و اداره حکومت. اما جریان ورود کمک های انکشافی مقارن با گسترش فساد، شکل گیری سیستم های خدمات رسانی موازی و غیرمنسجم، مؤثریت کم و ضعف مدیریت بوده است. اکثر کمک ها مستقیماً توسط تمویل کنندگان و خارج از بودجه حکومت عرضه شده اند. بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، مبلغ ۱۳،۸ میلیارد دالر امریکایی (۸۸ فیصد) از مجموع کمک ها توسط تمویل کنندگان و همکاران اجرایی آنها از طریق "بودجه خارجی" به مصرف رسیده است؛ تنها مبلغ ۱،۹ میلیارد دالر امریکایی (۱۲ فیصد از مجموع کمک ها) از طریق بودجه اصلی دولت به مصرف رسیده است. بر اساس



گزارش وزارت مالیه، مجموع سهم سکتور دوجانبه در سال ۲۰۱۳ حدوداً برابر به ۵۸ فیصد از مجموع مبلغ تعهد شده برای سال ۲۰۱۳ (۴،۹۲۸ میلیون دالر) می باشد، در حالیکه مبلغ ۲،۸۵۹ میلیون دالر به سکتورهای جاری اختصاص یافته است.

بودجه خارجی که صرف خدمات اجتماعی شده است، تا سال ۲۰۰۹ بخش هنگفتی از مبالغ خارج بودجه را جذب کرده است، هر چند این مقدار به ۲۱ فیصد در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۹، ۹۱ فیصد بودجه خارجی به سمت سکتورهای اجتماعی، از جمله معارف، صحت، انکشاف دهات و مصونیت اجتماعی هدایت شده است؛ با این حال، ارقام مربوط به سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ شدیداً بالا می باشند و این مسئله احتمال ضعیف بودن مکانیزم های گزارش دهی و معلومات رسانی وزارت مالیه را نشان می دهد. در سال ۲۰۱۴، ۴۷ فیصد بودجه خارجی در سکتور اجتماعی مصرف شد و در نتیجه این میزان ۲ فیصد در مقایسه با سال گذشته افزایش یافت. این موضوع در کشورهای بعد از جنگ یعنی جایی که سکتورهای اجتماعی شدیداً تحت تأثیر جنگ قرار گرفته اند و مبالغ هنگفت پول در خدمات اجتماعی سرمایه گذاری می شوند، یک امر عادی می باشد.

فیصدی مساعدت های انکشافی رسمی که از جانب تمویل کنندگان عضو کمیته مساعدت های انکشافی سازمان همکاری و انکشافی اقتصادی (OECD/DAC) تأمین شده است به میزان بیشتر از دو برابر بین سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵، میزان مساعدت های انکشافی رسمی دو جانبه برابر به ۱۳ فیصد بود و تا سال ۲۰۰۷ به ۳۲ فیصد رسید اما در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ترتیب به ۲۰ و ۳۰ فیصد کاهش یافت.

مجموع میزان صادرات به کشورهایی که افغانستان با آنها توافقنامه تجاری ترجیحی دارد، به میزان قابل ملاحظه از ۱۱،۸ فیصد در سال ۲۰۰۵ به ۴۴ فیصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است که نشان می دهد این میزان طی پنج سال ۳۳ فیصد بالا رفته است. با این حال، جریان صادرات مبتنی بر توافقنامه تجاری آزاد بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ به شکل بطی بهبود یافته است. هرچند افغانستان چندین توافقنامه تجاری آزاد، از جمله توافقنامه تجاری سازمان همکاری های اقتصادی، توافقنامه پیرامون سیستم ترجیحی سازمان کشورهای اسلامی، توافقنامه تجاری ترجیحی بین هندوستان و افغانستان و توافقنامه پیرامون ساحه تجاری آزاد جنوب آسیا (SAFTA)، را در سطح منطقه امضاء نموده است، تنها یکی از این توافقنامه ها (SAFTA) جنبه اجرایی به خود گرفته است. با اجرایی شدن سایر توافقنامه های تجاری آزاد در آینده، سهم کلی صادرات افغانستان نیز افزایش خواهد یافت. پیشرفت های حاصله را می توان در نسبت استفاده کنندگان تلفون و انترنت در افغانستان مشاهده نمود. تعداد استفاده کنندگان تلفون و انترنت، از سال ۲۰۰۲ بدین سو، یعنی زمان که اجازه سرمایه گذاری روی خدمات مخابراتی به سکتور خصوصی اعطاء شد، به میزان گسترده ای افزایش یافته است. تا سال ۲۰۱۴، ۸۸۲ مشتری از هر ۱،۰۰۰ نفر از تلفون های سیار استفاده می کردند، در حالیکه تعداد استفاده کنندگان انترنت به ۱۴۱ نفر در هر ۱،۰۰۰ نفر افزایش یافت.

### هدف نهم: بهبود امنیت

در سال ۲۰۰۴، دولت افغانستان به هنگام امضای بیانیه هزاره، نهمین هدف انکشافی متمرکز بر وضعیت امنیتی را به این بیانیه الحاق کرد که این هدف با در نظر داشت شرایط کشور طراحی شده بود. در آن زمان، دولت افغانستان به

عنوان یک کشور بعد از جنگ که با شورش های مسلحانه اروپ های سرنگون شده قبلی دست و پنجه نرم می کرد، مجبور بود تا رسیدگی به نگرانی های امنیتی را در آجدای انکشافی جدید خود شامل بسازد.

با توجه به اقتصاد ضعیف کشور و ضرورت به ارتقای ظرفیت اردوی ملی افغانستان، پوشش مصارف عملیات های نظامی در راستای مبارزه با شورشیان، یکی از نگرانی های اصلی به حساب می آمد. کشور افغانستان تا سال ۲۰۱۵ برای تأمین مصارف نظامی خود به کمک های بین المللی متکی بوده است. با انتقال مسئولیت های امنیتی از قوای بین المللی به قوای افغان، مصارف نظامی در سال ۲۰۱۴ به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی به ۵ فیصد افزایش پیدا کرد. همچنین، در سال ۲۰۱۴، مصارف نظامی به عنوان بخشی از مصارف عامه به ۲۱ فیصد افزایش یافت. اکثریت پرسونل اردوی ملی افغان آموزش نظامی همه جانبه دیده اند (۹۰ فیصد در سال ۲۰۱۴) و ده فیصد پرسونل باقیمانده تحت آموزش می باشند. قابلیت رزمی و عملیاتی پرسونل اردوی ملی افغانستان در سطح کل کشور نیز ارتقا یافته است.

نگرانی های دیگر عبارت اند از: موجودیت سلاح غیرقانونی، جرایم مسلحانه و قابلیت پولیس ملی افغانستان برای مهار این جرایم. هر چند (یا از آنجا که) کشور افغانستان دوره طولانی جنگ های داخلی را پشت سر گذاشته است، هنوز هم شاهد موجودیت گسترده سلاح در کشور می باشیم. بهبود تنفیذ قانون و تطبیق برنامه هایی همچون خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد و انحلال گروه های مسلح غیرقانونی، تعداد اسلحه های غیرقانونی موجود نزد اتباع و گروه هایی که قبلاً تسلیح شده اند را به میزان قابل ملاحظه کاهش داده است. با

این حال، تعداد اسلحه های دارای جواز طی چند سال گذشته از ۵،۳۸۵ اسلحه در سال ۲۰۰۸ به ۱۸،۳۷۰ اسلحه در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. افزون بر آن، میزان کلی جرایم گزارش شده در کشور دو برابر شده و از ۱۰،۰۰۰ مورد در سال ۲۰۰۵ به ۲۰،۰۰۹ مورد در سال ۲۰۱۴ رسیده است.

موجودیت گسترده ماین های زمینی و مواد منفجره باقیمانده، یکی از نگرانی های اصلی است که از زمان تهاجم شوروی و جنگ های داخلی پس از آن وجود داشته است. افغانستان با پاکسازی بیش از ۲۰،۹۶۵ ساحة خطرناک (با مساحت کلی ۱،۷۳۵ کیلومتر مربع) به پیشرفت قابل ملاحظه در زمینه حل معضله ماین های زمینی و مواد انفجاری باقیمانده دست یافته است. مساعی دولت در این زمینه منجر به کشف و انهدام ۱،۲۷ میلیون ماین زمینی و بیش از ۱۶۶ میلیون مورد از بقایای مواد انفجاری و همچنین انهدام ۳۱،۱۹۱ متر یک تن مهمات غیرفعال گردیده است.

تلفات ملکی ناشی از انفجار ماین های زمینی و مواد انفجاری باقیمانده از جنگ تا ۴۶،۷ فیصد کاهش یافته است، در حالیکه تلفات ملکی ناشی از مواد انفجاری دستی که روی صفحه فشار (pressure-plate) درست شده اند، افزایش یافته و به حد اوسط ۶۴ نفر در هر ماه رسیده است. در نتیجه، تعداد کلی تلفات ناشی از ماین، بقایای مواد انفجاری و مواد انفجاری دستی به ۱۱۳ مورد در سال ۲۰۱۴ رسیده است؛ به بیان دیگر این میزان در مقایسه با ارقام اولیه ۲۲،۸ فیصد افزایش یافته و چالش بزرگی را برای دولت و برنامه عملی ماین پاکی افغانستان بوجود آورده است.

دولت افغانستان با انهدام تمام انواع شناخته شده ماین های زمینی کارگذاری شده

ضدپرسونل، به تعهدات خویش ذیل ماده چهارم پیمان اوتاوا نایل آمده است. درخواست افغانستان مبنی بر تمدید مهلت پاکسازی تمام ساحات ماین گذاری شده و حاوی بقایای مواد انفجاری از جانب دول عضو پیمان اوتاوا در ماه دسامبر ۲۰۱۲ پذیرفته شد و در نتیجه مهلت پاکسازی کامل ساحات خطرناک شناخته شده تا ماه مارچ ۲۰۲۳ تمدید شد.

قوای آیساف و نیروهای ناتو هنگام خروج از کشور تعداد زیادی از ساحات تیراندازی حاوی مواد انفجاری را رها کردند. متعاقباً، تعداد زیادی از اطفال هنگام عبور از این ساحات کشته و یا زخمی شدند. از سال ۲۰۰۹ تا ختم ماه مارچ ۲۰۱۵، مرکز هماهنگی عملیات های ماین پاکی افغانستان ۱۳۰ مورد تلفات ناشی از مواد انفجاری باقیمانده در درون یا اطراف ساحات تیراندازی قبلی آیساف و ناتو را به ثبت رساند. ۳۹ نفر از مجموع این افراد کشته شده اند، در حالیکه ۷۵ فیصد این تلفات گریبان گیر اطفال بوده است. ۱۹ مورد از مجموع ۱۳۰ تلفات در سال قبل (۲۰۱۴)، ۵۰ مورد در سال ۲۰۱۳، ۴۵ مورد در سال ۲۰۱۲، ۹ مورد در سال ۲۰۱۱، ۶ مورد در سال ۲۰۱۰ و یک مورد در سال ۲۰۰۹ گزارش شده است. این ارقام نشانگر آن هستند که میزان تلفات همزمان با خروج نیروهای آیساف و ناتو در حال افزایش بوده است. سانحه های که در ۱۸ مورد از ۳۴ ولایت کشور رخ داده اند، نمایانگر گستردگی این مشکل می باشند.

بر اساس سیستم مدیریت معلومات برای عملیات های ماین پاکی (۲۶ ساحة آموزش تیراندازی بسته و پاکسازی شده اند، در حالی که عملیات های پاکسازی فعلاً در ۲۳ ساحة جریان دارد. تاکنون جمعاً ۳۷۲ کیلومتر مربع از ساحات تیراندازی پاکسازی شده اند (۱۸۴ کیلومتر مربع با استفاده از روش "زیر سطح زمین" پاکسازی

شده اند). طی عملیات های پاکسازی، ۱ ماین ضدپرسونل، ۷۰،۲۸۶ مورد از بقایای مواد انفجاری و ۵۶۶۸۱ مورد از مهمات دستی کوچک بجا مانده از آیساف و نیروهای ناتو کشف و منهدم شده اند. در مجموع، ۷۵ نوع مختلف از مواد انفجاری باقیمانده کشف و منهدم شده اند که اکثریت آن را فتیله ها، نارنجک، موشک، آوان، بمب و راکت تشکیل می دهند.

آخرین نگرانی که به نوبه خود قابل توجه نیز می باشد، همانا آسیب پذیری اراضی قابل کشت در برابر زرع کوکنار می باشد. متأسفانه، کشت کوکنار در حال افزایش می باشد. مطابق به سروی سالانه تریاک که توسط وزارت مبارزه با مواد مخدر و اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد انجام شده است، میزان کشت کوکنار در افغانستان هر سال افزایش یافته و به حد بالای ۲۲۴،۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۴ رسیده است. نا امنی، حکومتداری ضعیف و عدم حاکمیت قانون در ولایاتی که کشت کوکنار در آن صورت می گیرد، دلایل شایع افزایش کشت کوکنار به حساب می آیند. گزارش اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد موسوم به گزارش مواد مخدر افغانستان (۲۰۱۳)، رابطه بلامنازه میان نا امنی و کشت کوکنار قائل شده است که این موضوع از ۲۰۰۷ بدین سو هر سال در همه پرسوی و سروی افغانستان لحاظ گردیده است. افزایش مصرف خانه گی مواد مخدر، چالش های مرتبط به معیشت های بدیل و پایین بود میزان همکاری منطقوی نیز از عوامل افزایش کشت کوکنار برشمرده می شوند.

### ریاست پالسی و نظارت مبتنی بر نتایج